



سال سوم - دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۰ - شماره ۲۰۰ ریال

انقلاب پرشکوه  
کارگران و زحمتکشان ایران  
رژیم جمهوری اسلامی را به  
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

طی دو ماه و نیم اخیر:  
**حدود ۱۰۰۰ کمونیست و انقلابی  
توسط رژیم جلاد  
جمهوری اسلامی تیرباران شدند!**

دموکراسی انقلابی یا دموکراسی  
بورژوازی ضد انقلابی! (۱)

نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"  
در صفحه ۱۰

حمایت کارگران  
از شورای منتخب  
خود توطنه  
مزدوران رژیم را  
خفتی کرد  
در صفحه ۳

رهنمود به رفقای هوادار سازمان  
درباره سازماندهی و وظایف هسته‌های وابسته

جمهوری اسلامی، در کوتاه‌ترین  
فاصله حکم اعدا بهترین فرزندان  
انقلابی خلق را در تهران و شهرستانها  
مادر کرده و آنها را به جوخه‌های  
اعدام‌نسیا رند. و این در حالی است  
که بحران اقتصادی و مفروفلکت و  
گرانی و تورم، بنحوروز افزونی  
گلوئی کارگران و زحمتکشان را می-  
فشارد و آنها را بطور روز افزون در  
مقابل رژیم جمهوری اسلامی که در  
گذشته نسبت به آن دحاروسم و حش  
باوری بودند، قرار میدهد

صفحه در صده ۵

رفقا! هم‌اکنون در وضعیت  
سیاسی ویژه‌ای بسر میبریم. رژیم  
جمهوری اسلامی بدنبال رانده شدن  
لبیرالها از قدرت سیاسی و قرار  
گرفتن کلیه مواضع کلیدی قدرت  
در دست حزب رسوای جمهوری اسلامی  
بیش از پیش بر سرکوب جنبش توده-  
ای و نیروهای سیاسی کمونیست و  
انقلابی افزوده و هم‌اکنون روزی  
بسی که در گوشه و کنا رکشوردهها  
کسبیت و انقلابی توسط کمیته‌ها  
وسپاه اعدایان دستگروروا نسه  
سکجه گاههای رژیم حاکم نشوند و با ز  
روزی نسبت که پیدا دکا ههای

## انفجار در نخست وزیری، وضع زبونی رژیم خمینی!

انفجار در نخست وزیری،  
وضع زبونی  
رژیم خمینی!

انفجار در نخست وزیری در هفته گذشته که منجر به  
کشته شدن سران طراز اول رژیم  
ارتجاعی حاکم (یعنی رجایی و  
باهنر) گردید و نیز چند روز پس از آن  
یک بمب در مرکز "دادستانی انقلاب  
اسلامی" که قدوسی جلاد را به دیوار  
نیستی رهپار کردید را در بگروضعف و  
زبونی رژیم و وضع رقت با روآشفته  
درونی آن را در برابر دیدگان همه  
بطور آشکار نمایان ساخت. بیستم  
امینیتی "۳۶ میلیونی" رژیم هم  
شستوانست برای اوکاری انجام دهد  
و غیرنم آنکه رژیم حادثه ۷ سیر  
را شفا ر مقر حزب (و تجربه نفوذ در  
ارگانها پیش را آزموده بود، و این  
آزمایش را به بهای معدوم شدن بیش  
از ۷۰ تن از رهبران منفورش انجام  
داده بود، در دو جا دثه پیاپی و  
غیر عم تمام اقدامات امنیتی اش،  
این تجربه را به بهای سنگین  
دیگری تکرار نمود! دیگر آشکاراست  
که رژیم حتی در مطمئن ترین و  
مناظت شده ترین مراکز خود نیز از  
دست مخالفین و نیروهای انقلابی  
درمان نیست. "گروهکها" و "مکس-  
ها" (نامی که خمینی در یکی از  
سخنرانی هایش بر نیروهای انقلابی  
سپارد)، غیر عم آنکه در حال "زوال" و  
سادی "هسند"، اما سران رژیم را  
که در حمارق طوری از محافظین مسلح  
بفیه در صفحه ۲

سزنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ۵۵۵  
محمور کشته اند، در خانه و محصل کارشان نیز آرام نمی گذارند! رژیم جمهوری اسلامی عاجز و ناتوان نظاره گرنا بودی یک به یک رهبران و سران منفور خویش است بی آنکه قدرت مقابله و جلوگیری از آن را داشته باشد، تنها کاری که در مقابل انجام میدهد، کشتار بی رحمانه و قتل عام، انقلابیون و مردم سیری است که در جنگال های خونین زندانهای قرون وسطای اش به اسارت درآمده اند.

تردیدی نیست که این ترور - های انقلابی، ضربات جبران ناپذیری بر پیکر نظام انقلاب حاکم وارد آورده و وارد می آورد، بویژه اگر توجه کنیم که از یکسور رژیم شرایط متعارف یک حکومت با ثبات و تثبیت شده را ندارد و از همپنرو ضربات فوق رادر شرایط متحمل می شود، که بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم در این عرصه پیدا می کند و بحران سیاسی و نامسا مانی درونی رژیم فوق العاده تشدید یافته است و از طرف دیگر، این عملیات در سطح بسیار وسیعی جریان دارد و ماثبت چندانی به عملیات ترور و یک گروه انقلابی محدود ندارد. در حال حاضر رژیم در تمام سطوح خود و در مقیاس سراسر ایران در معرض ضربه های نظامی قرار دارد و در برابر امواج بی سابقه - ترین و کم نظیرترین ترورها و عملیات مسلحانه قرار گرفته است. با توجه به این ویژگی ها است که تا شیرات ترورها و عملیات نظامی فوق الذکر در تضعیف درونی رژیم فوق العاده بیشتر می شود.

از لحاظ تشکیلاتی، این ضربات، نه تنها رژیم را از کادرهای مجرب و هدا یکنر خویش در بالا محروم می سازد، (و این در حالی است که رژیم شدت از لحاظ کادرهای مجرب و مطلوب خویش در مضیقه قرار دارد) بلکه در ارگانهای سرکوب و اداری - اش نیز، که هزارا ساسی حاکمیت و اقتدارش می باشد پراکنده می کند، انهدام و تشتت ایجاد می کند. در مورد اولی مسئله روشن است و نیازی به توضیح نیست، از دست رفتن عناصری نظیر بهشتی، رجایی، با هنر، قدوسی، آیت و... یعنی کسانی که یا از طراحان و خطم دهندگان رژیم بودند (نظیر بهشتی و آیت) و یا کادرهای "معتبر" و اجرایی رژیم (نظیر رجایی، با هنر و قدوسی). در مورد دوم نیز با توجه به بی اعتمادی فراوانی که ضربات

وارد در "بالا" در درون رژیم و در ارگانهای ایجاد می کند، و با توجه به اینکه این ارگانها و عناصر سر مشکله در پایه های آن (سپاه، ارتش، شهرپانی، بسیج و فیلانهای حرفه ای) مستقیما خود را در معرض ضربات و ترورهای می بینند که رژیم نیز با ناتوانی تمام قادر به مهار کردن آنها و تامین شرایط حفاظت آنها نیست، بی تردید، انسجام درونی ارگانهای رژیم دستخوش تزلزل فراوان میگردد. شواهد نیز بسیار گرای مسئله است، اخبار ریا کننده مربوط افزایش درجه استعفا و فرار از ارگانهای سپاه و... پراکنده شدن مسز دوران رژیم - فیلانهای حرفه ای در بسیج و یا خارج از آن - از ترس جان خویش تن ندادن پرسنل شهرپانی به سیاست های سرکوب هیات حاکمه حزبی، تشتت در بدنه ارتش، که در اخبار جبهه های جنگ به خوبی مشهود است، و... نشانه این امر است. این امر حتی به جایی رسیده است رژیم (مطابق اخبار موثقی که از درون آن بدست ما رسیده است) از تامین تعداد لازم محافظین مسلح از ارگانهای سپاه و کمیته و بسیج برای حفاظت از جان مهره های خود ناتوان است. طبق خبر دیگری، فقط در سپاه پاسداران شیراز تعدادی بیش از ۱۰۰ نفر از سپاهیان دست به استعفا زده اند. و یا در کردستان مطابق خبری در همین روزهای اخیر تعداد بیش از بیست نفر از شیرای مزدور رژیم در کردستان (که تحت نام به اصطلاح "پیشمرگان مسلمان کرد" فعالیت می کنند) به نیروهای جنبش مقاومت ملت خلق خود را تسلیم کرده اند. حتی وضع بگونه ای است که رژیم در جایگزینی عناصر جدیدی در سطوح رهبری خود بجای عناصر معدوم شده دچار دشواری گشته است. بعنوان مثال عناصر مرتجع چون موسی زرگر، وزیر پیشین بهداشت، حاضر به پذیرفتن این پست در کابینه جدید نگردید و این نیز هیچ انگیزه ای جز ترس از جان و بی اعتمادی نسبت به وضعیت و آینده رژیم نمی تواند باشد. این اخبار و گزارشات پراکنده که تنها گوشه ای از واقعیت های درونی رژیم جمهوری اسلامی را نمایان می سازد، بروشنی نشان میدهد که ضدا انقلاب حاکم در چه موقعیت خطرناک و نامسا مانی قرار گرفته است. طبیعی است که این وضع اساسا انعکاس اوضاع

عمومی جامعه، بحران اقتصادی عمیق، بحران سیاسی فراگیر، درجه رشد تضادهای و پتانسیل انقلابی جنبش و... است. و در متن جنبش شرایطی است که این ترورها و اعدام میتوانند در تشدید اوضاع نامسا مانی درونی رژیم نقش موثری ایفا نمایند.

علاوه بر این ضربات سیاسی و روانی ناشی از این ضربات نیز باید مورد تاکید قرار گیرد. ضربه خوردن پی در پی رژیم در سه مرکز، از مراکز کلا حفاظت شده و سطح بالای رژیم، اعتبار سیاسی رژیم را حتی در حفاظت از نیروهای خود، بکلی از میان برده است و همین سی اعتباری رژیم را همانند کمرگ زخم خورده ای به زوزه و ادا رکرد است. علیرغم تمام تبلیغات مذبحا به رژیم برای خنثی کردن این اثرات، اکنون دیگر ناتوانی رژیم در مسدود کردن مجاری این ضربات، رسوای خاص و عام گشته است: رژیم تاکنون نتوانسته است، به کیفیت عمل بمب گذاری در نخست وزیری و دادستانی دست یابد! و این خود بروشنی از هم پاشیدگی سیستم امنیتی رژیم و عاجز و ناتوانی آن در حفظ حیات رهبران آن و بطلان تبلیغات رژیم را عریان می سازد. مضاف بر اینها، طبعا تا شیرات این حرکات و عملیات بحران سیاسی، مستقیما بر بحران اقتصادی و افزایش آن موثر واقع میشود که در اینجا مجال توضیح بیشتر پیرامون آن نیست.

اما اینها یک طرف قضیه است! طرف دیگر تا شیرات ناشی از عملیات ما جرای جویانه در جبهه انقلاب است. اینکه این عملیات بر بیکر ضدا انقلاب با چنین اوضاع نامسا مانی درونی اش، ضربه های تضعیف کننده وارد می آورد، بخودی خود، بمعنای آن نیست که به نفع انقلاب می باشد و تا کتیک صحیح و در جهت منافع جنبش می باشد.

هر چه بیشتر از عمرا این عملیات ما جرای جویانه میگذرد، بیش از پیش خصلت کودتا گرانه و بیگانگی آن با تاکتیک های توده ای هدفمند، مبتنی بر روند عینی جنبش و تناسب قوای موجود و با خصلت بسیج کننده و سازماندهنده جنبش توده ای، روشن تر میگردد.

این عملیات از استادی شکل - گیری خویش تاکنون نقش مهمی در به عقب راندن جنبش اعتراضی

بقیه در صفحه ۷

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



## کارتگران جاسوسان رژیم را از کارخانه بیرون می کنند

رفیقای گزارش میدهد:  
چندی پیش از طرف وزارت کار  
یکی از مزدوران کمیته راه به شرکت  
ما معرفی کردند. او پس از استخدام  
شروع به جاسوسی نمود. او دانشما  
مزا حکم کارتگران میشد که شما "مد  
انقلاب" هستید و با ایداز این  
شرکت اخراج شوید. او نام ۳۰ نفر  
از کارتگران را هم به مدیرعامل داده  
و گفته بود که اینها با ایداز اخراج شوند  
کارتگران با تنفرو غم نسبت به  
اینگونه اقدامات به شورا و مدیریت  
هدا ر دادند که اگر تکلیف این  
جاسوس را معلوم نکند خود تصمیم  
خواهند گرفت. شورا و مدیریت  
تصمیم به اخراج او میگيرند. آن  
جاسوس به کمیته دیوشکا بت میکند.  
ما موران کمیته وقتی به کارتخانه  
آمدند و فهمیدند که ممت خود و  
مزدوران با زنده، بعنوان اینکه  
او ۵ قوطی روغن نباتی ۵ کیلوئی  
از کمیته دزدیده و به کارتگران هر  
یک قوطی را به ۱۲۰ تومان فروخته  
بود با خود بردند. به این ترتیب،  
کارتگران، مزدوری را که "بدستور  
امام" به جاسوسی مشغول بود از  
خانه خود بیرون راندند و اجرات  
نکرد با زگرد.

### شنیدن سخنان مدیرعامل بازور!

پارس الکتربیک: در تاریخ  
۶۰/۶/۱ اعلام شد که در ساعت ۳ بعد  
از ظهر مدیرعامل در رستوران سخن-  
رانی خواهد نمود. کارتگران که  
مدیرعامل را نماینده سرمایه -  
داران دشمن خود میدانند و از این  
مرتجع تازه مکتبی شده تنفردارند  
علاقه ای به شنیدن سخنان او  
نداشتند. ولی با توجه به جو خفقان  
موجود بطرف رستوران رفتند.

نگهبانان مزدور کارتخانه بقیه  
کارتگران را که در محوطه کارتخانه  
قدم میزند با تهدید به اینکه "اگر  
به ما لن بیروید استان را میخوبسیم  
کارتگران را مجبور کردند که تا  
ساعت ۴/۵ پای صحبت مدیرعامل  
بنشینند. در عرض این مدت درهای  
رستوران بسته بودند مبادا کسی  
خارج بشود. اما این شیوه ها مگر  
تا کی میتواند انجام شود؟

## حمایت کارتگران از شورای منتخب خود نوطه مزدوران رژیم را خنثی کرد

در ادامه نوطه ضد کارتگری رژیم  
جمهوری اسلامی که تا کنون منجر به  
اخراج تعداد وسیعی از کارتگران آگاه  
و پیشرو از کارتخانه ها شده است، از  
کارتخانه فیلیپس نیز ۱۰ تن از  
کارتگران را اخراج کردند. شورای  
کارتخانه، بنا به خواست بقیه  
کارتگران، در یک جلسه عمومی از  
مدیریت کارتخانه خواست که علت  
اخراج آن ۱۰ نفر را به همه توضیح  
دهد. مدیرعامل که یکی از عمال  
بنیاد "مستضعفان" است و بشدت مورد  
نفرت اکثریت کارتگران میباشد،  
در این باره جز لجن پراکنی و یک  
مشت حرفهای بی سروته چیز دیگری  
بر زبان نیاورد. اما کارتگران که  
از موضع ضد کارتگری رژیم آگاه  
بودند مصرا نه خواستار توضیح  
گردیدند و حما بت قاطع خود را از  
شورا اعلام نمودند. کارتگران با  
تا شنیدن سخنان سخنگوی شورا ممت  
محکمی برده ان مدیرعامل و  
اربا بان نش زدند. مدیریت که وجود  
شورا را بچون خاری در چشم خود می -  
دانست تصمیم به اخراج اعضای  
شورا گرفت و دستور داد که از ورود  
اعضای شورا به کارتخانه جلوگیری  
شود. اما اعضای شورا خواستار حکم  
کتبی اخراج خود میگردند و چون  
این حکم آماده نبود به داخل  
کارتخانه می آیند و کارتگران را در  
جریان نوطه اخراج خود میگذارند  
بیشتر کارتگران به حمایت از اعضای  
شورا بر میخیزند و این نوطه کشف  
را محکوم میکنند. مدیریت کارتخانه

فورا حکم اخراج را به اعضای شور  
ابلاغ میکنند و از آنها میخواهد که  
کارتخانه را ترک کنند. با اخره ۴ تن  
کارتگری عضو شورالبا س کارت را بیرون  
آورده به سمت نگهبانی کارتخانه  
میروید. کارتگران ابتدا در دستنه -  
های کوچک سبس بطور دستجمعی  
مانع خروج اعضای شورای خود از  
کارتخانه میشوند و دوباره آنها را به  
سرکار بر میگردانند.

کارتگران مرتبا میگفتند: ما  
شما را انتخاب کرده ایم و ما می -  
خواهیم که شما بعنوان نماینده ما  
باقی بمانید. هر کس از وجود شما  
نا راحت است خودش برود بیرون.  
حرکت هشیا را نه و مجددا نه کارتگران  
جهت بازگرداندن اعضای شورا،  
ممت محکمی برده ان مدیریت و  
انجمن اسلامی و دیگر خاشین به  
طبقه کارتگری نواخت. بعد از باز -  
گردانیدن اعضای شورا توسط  
کارتگران، شورا از کارتگران برای  
تشکیل یک مجمع عمومی دعوت  
بعمل آورد و در این مجمع عمومی  
به افشای نوطه های مدیریت و  
کشف تکاربهای آقبا ن مکتبی  
(که مزدوران سرما به داران هستند)  
پرداخت.

کارتگران، پیش از پیش به  
ماهیت ارتجاعی و مزورانه این  
نوکران سرما به داری پی بردند و  
با تا شنیدن مل شورا اعلام کردند که  
برای روشن شدن وضع شورا احتیجی  
حاضر هستند که به تعطیلات تا استان  
نروند. اکثریت کارتگران با این  
نظر موافق بودند. هم اکنون کارتگران  
منتظر هستند تا با نمایندگان وزارت  
کار (در واقع وزارت سرما به!)  
ملاقات کرده، وقایع به آنها  
بگویند که تنها شورای مورد قبول  
کارتگران همان شورائی است که  
چون خاری در چشم سرما به داران  
است و بهیچوجه اجازه نخواهند داد  
که اعضای مزدورانجمن اسلامی و  
دیگر جاسوسان رژیم خود را نماینده  
کارتگران جا بزنند زیرا آنها جز  
نماینده سرما به داران و رژیم  
سرما به داری جمهوری اسلامی  
نیستند.

### تشدید بازرسی بدنی کارتگران مانع مبارزه شان نمی شود

پارس الکتربیک: از روز اول بعد  
از تعطیلات، هفت نگهبان ما مسور  
شده اند که جلوی درب ورودی کارتگران  
را دقیقاً مورد بازرسی بدنی قرار

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



دهند. برای بازرسی بدنی نیز اطاق خاصی در نظر گرفته شده است. رژیم از این مبترد که اعلامیه ای آگاهیه بخش به درون کارخانه راه پادوبیا مبارزات خود بخود می شود! اما کارگران مبارز راه مبارزه خود را میدانند

### اخراج کارگران آگاه و استخدام و ابستان به رژیم

پاریس الکتریک: براساس یک خبر اول شهریور بنیاد شهید به این کارخانه اعلام نموده است که هرگونه استخدام جدید با بد ز طریق این بنیاد صورت گیرد. چند تن از کارگران گفته اند که تا کنون ۳۶ فالانژ عم از پادوبیا روخانه نواده آن در کارخانه استخدام شده اند. هدف از این استخدام، هم جاسوسی علیه مبارزات کارگران است و هم حق السکوت دادن به خانواده های که فرزندشان قربانی این رژیم شده و در آدرگیری ها کشته شده اند.

### رژیم ضد کارگری حاکم نمیتواند و نمیخواهد برای کارگران مسکن بسازد

پاریس الکتریک: از مدتی پیش قرار بود برای کلیه کارگرانی که پیش از ۵ سال حق بیمه پرداخت نموده اند از طرف بنیاد مسکن وامهایی در حدود ۳۰۰ هزار تومان داده شود تا کارگران مزبور بتوانند با رتبه های خود خریداری نمایند. از حدود ۲۳۰ نفر حاضرین شرایط ۲۰۰ نفر از آنها فعلا قرار شده بیرون رود و در این مورد صحبت کنند با این خیال که این کار عملی شود اما کارگران آگاه میدانند که وعده های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی پوک تر از آنست که به وعده های پیش بتوان دل بست. سرنوشت خانه های که از فردای قیام بهمین وعده ساختنش را دادند و با آن ۱۰۰ میلیون تومان به حساب شماره ۱۰۰ بانک صادرات قمر ریخته شد

وزیر نظر خود خمینی هم بودند تا کنون چه شده است؟

وعده های کزاف آیت الله خسروشاهی راجع به دادن مسکن به "مستضعفین" چه شد؟ وعده ها نمونسه دیگر از وعده های سرخرمن که رژیم خمینی برای فریب مردم داد. کارگران آگاه ما میدانند که "آدم عاقل از یک سوراخ دوبار رگزیده نمی شود!" تا مبین نان و مسکن و آزادی با یکدیگر مربوط است و تنها پس از سرنگونی این رژیم ارتجاعی و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و سرانجام با نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم کارگران میتوانند به نیازهای واقعی خود دست توانای خوبش جامعه عمل ببوشانند.

### رژیم کارگرکش با کینه کارگران روبرو است

پاریس الکتریک: کارگران که پس از تعطیلات به کارخانه آمده بودند وقتی از خبر اعدام جنایت کارخانه ۴ نفر از کارگران زحمتکش و آگاه همکار خود مطلع شدند، با کینه و اندوه فراوان با آن روبرو شدند. البته آنها بخاطر خفقان موجود تا راحتی خود را جز در حضور افراد مورد اعتماد آشکارا نمی کردند. کارگرانی که به یکدیگر اعتماد داشتند، اعدامها را لکنگی بر دامان رژیم جمهوری اسلامی خوانده آرزوی سرنگونی رژیم را مینمودند بی شک شعله های کینه ای که امروز در میان کارگران زبانه میکشد. در فردای نه چندان دوری که کارگران به همراه دیگر زحمتکشان و نیروهای خلق، به مقام و مبارزه برخیزند، به نیروی عظیمی تبدیل خواهند شد که بنیاد رژیم را برخواهد افکند.

### برای تشکیل انجمن اسلامی دست به دامان ساواکیهائی شوند!

مزدوران کارفرما و عوامل حزب، برای تشکیل انجمن اسلامی بدنیاال نماینده - ای از "خانه کارگر" میروند و شخصی بنام شیرخداشی را بعنوان نماینده و سخنگو به کارخانه می آورند. دو هفته بعد کارگران که برای اعتراض به رئیس انجمن اسلامی به خانه کارگر رفته بودند، میفهمند که فرد مزدور و اوکی بوده و مدتها در "خانه کارگر" رژیم، مشغول جاسوسی بنفع

سرمایه داران حاکم بوده است. وقتی خمینی عسرت ساواک شاه را میخورد و خیال ساواک ۳۶ میلیونی! خواب راحت را از او ربوده است و مادران را به جاسوسی و لسو دادن فرزندان فرا میخواند، دست بدامان ساواکی ها شدن برای تشکیل انجمن اسلامی کارخانه مسری طبیعی است!

### افزایش فشار و ارباب در کارخانه ها

بدنبال سیاست سرکوب و خفقان وحشیانه ای که رژیم در پیش گرفته، فشار و ارباب در کارخانه ها نیز شدت یافته است. از کارخانه با بر خیزی داشتیم که کارگران موقع کار خنق ندارند حتی یک دقیقه بیرون از محوطه سالن کارباشند. در "خانه کارگر" هم برای هر کارخانه پرونده ای درست شده است قسمت اعظم این پرونده ها شامل اعلامیه های است که از بعد از قیام تا کنون در کارخانه ها پخش شده است.

### تفنگران مبارز تو همین به مبارزات خود را تحمل نمی کنند

روز دوشنبه ۲ شهریور محمد غرضی وزیر مرتجع نفت که از سفر به خارج بازگشته بود در پالایشگاه تهران یک سخنرانی ترتیب داد. حدود ۱۵۰۰ تن از کارگسران و مهندسی پالایشگاه در این سخنرانی شرکت کرده بودند. او در ضمن صحبت به اعتصاب کارگران نفت جنوب در زمان قیام اشاره کرده و میگوید: "در آن زمان کارگران نصیادانستند چطوری عمل کنند، شیر نفت را کسی ببندند و اعتصاب کنند... بعد میگوید: "من نوکر آن گمانی هستم که به من خدمت میدهند و نماز میخوانند من همه منافقان و جیبی ها و لیبزها را تصفیه خواهم کرد و بهیچوجه نخواهم گذاشت اینها به شوراها راه پیدا کنند. فقط حزب الهی ها با بید شوراها را بدست گیرند". در این موقع یکی از کارکنان مبارز دست خود را از زمین جمعیت (بصورت مشت گره کرده) بالا میبرد و او را از صحبت میخواستند و میگوید: "آقای غرضی! سقیه در صفحه ۱۲"

بقیه از صفحه ۱

# ”ره نمودن به رفقای هوادار سازمان در باره سازماندهی و وظایف هسته‌های وابسته“

در حیوحه کثاکش انقلاب و ضد انقلاب، رژیم کوشیده و میکوشد تا برای حفظ حیات سیاسی خودبسه تنها راه ممکن یعنی سرکوب و ترور روی آورده و هرگونه حرکت مخالف خود را به شدیدترین وجهی مورد حمله قرار دهد. اما این ترور و سرکوب نیز از آنکه بی‌تقدیرت و استحقاک موثبات سیاسی رژیم حاکم باشد، بی‌تقدیرت و بی‌تقدیرت از پساخکوئی به خواسته‌های اساسی توده‌ها و بیان رشد با زهم بیشتر مبارزه طبقاتی و رودررویی توده‌های وسیع ترکا رگران و زحمتکشان با رژیم منفور جمهوری اسلامی است. این درست است که تشدید سرکوب و خفقان خودبسنحو غیرقابل انکاری موجب کندشدن آهنگ حرکت اعتراضی توده‌ها و عقب نشینی موقت آن شده است، اما بسیار آشتیابا خواهد بود اگر تصور شود که این کندی و عقب نشینی مدتی طولانی ادامه خواهد داشت و رژیم بتواند سرکوب جنبش و شکست آن و تثبیت خود را زکشت دوره رکود موقت شود. آرا موش کنونی، آرا موشی موقت و در واقع آرا موشی قبل از طوفان است. کوچکترین سردیدی نمیتوان داشت که در آئندهای نه چندان طولانی، جنبش توده‌های سربلند خواهد کرد و در سطحی گسترده تروپا مضمونی عمیق ترا ز گذشته، به پیش خواهد رفت و ظوما رژیم جمهوری اسلامی را در هم خواهد سوردید. با توجه به شرایطی که بیدان اشاره شد، مضمون وظایف نیروهای کمونیستی و ارجمله سازمان ما در این مقطع در اساس خود در مقابسه با کدسه‌های بی‌تقدیرت و آنچه که دجا رعبیر کردیده و با بیدان توجه داشت، سیوده‌های کارا کمال سازماندهی، افزایش در حد محقی - کاری و... میباشد. با اهمیت رهمودی را که ما در شرایط کنونی در باره سازماندهی و وظایف جنبش سبنا مهمی از هواداران و سبنا تیزانهای سازمان تحت عنوان ”هسته‌های وابسته“ مطرح میکنم، اما سا در

را بطنه تشدید بی سابقه سرکوب و اختناق ناگزیری تغییر اشکال کار و فعالیت تشکیلاتی نبوده و اساسی مربوط میشود به عدم گسترش حوزه‌های سازمانی در کلیه موسسات و شهرها و بخشهای مختلف کشور. از اینرو ره نمودن در باره ”هسته‌های وابسته“ ناظر بر دوره گذشته نیست میا شد و شرایط جدید و حاکمیت بیش از پیش ترور و سرکوب رژیم، این مساله را بطور ماضع و با تاکید بیشتری مطرح نموده و تعبیراتی را در اشکال خاص آن ایجاد می نماید.

هسته‌های وابسته صرفا در مناطق و آندسته از موسساتی تشکیل میشود که سازمان در آنجا دارای حوزه سازمانی نیست. موسساتی که سازمان در آنجا حوزه سازمانی دارد، هواداران و سبنا تیزانهای سازمان در اطراف این حوزه‌ها سازماندهی شده و بوظایفی که از سوی حوزه در رابطه با رهبری جنبش توده‌ای، تبلیغات، ترویج بحث و... بعهده آنها گذارده میشود، فعالیت می کنند و با آن دارای ارتباط فعال تشکیلاتی (در مقایسه با هسته‌های فرعی وابسته) هستند. به این ترتیب فعالیت سازمان در بسیاری از شهر - های کوچک، بخشها و روستا‌های کشور و موسسات غیرکارگرمی و حتی کارگرمی توسط این هسته‌ها پیش خواهد رفت و سازمان نیروی اصلی تشکیلاتی خود را در مناطق صنعتی و مناطق موسسات مهم و درجه اول و بویژه در میان پرولتاریای پیشرو ایران بکار خواهد گرفت و در جریان گسترش فعالیت خود ببا برسبنا گسترش جنبش و متناسب با رشد و تکامل این هسته‌ها، با آنها تماس فعال تشکیلاتی گرمه و آنها را بسطح حوزه ارتقاء خواهد داد. هسته‌های وابسته جنبش سبنا مهمی از رفقای هوادار را جده آنها که هم‌اکنون در رابطه تشکیلاتی با سازمان هستند و جده آنها که دارای جنبش ارتباطی نیستند در سر مگرد. آن دسته از رفقا که دارای ارتباط تشکیلاتی با سازمان هستند توسط خود کمیته -

ها و حوزه‌های سازمانی سازماندهی شده و آن دسته از رفقا که ارتباط تشکیلاتی با سازمان ندارند، با سبنا خود با توجه به آشنایی نزدیک با سایر رفقای سبنا تیزان و هوادار با یکدیگر تماس گرفته و بر اساس ره نمودنهای سازمان، خود را منکمل کرده و بوظایفی که برای هسته‌های وابسته تعیین شده است عمل نمایند و در عین حال کوشش کنند تا نزدیکترین حوزه و کمیته سازمانی ارتباط برقرار نمایند.

هسته‌های وابسته مرکب از ۲-۳ رفیق هوادار تشکیل میشود. این هسته‌ها با پیدا حثیت تعداد دنفورات محدود بوده و سبنا بیدیش از این خود را گسترده نمایند و تقسیم کار وسیع و همه‌جانبه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند. این مساله در شرایط حاکمیت ترور و سرکوب بورژوازی و سطح معمولاً پائین تجارب این هسته‌ها و ضرورت حفظ امنیت و ادامه کاری آنها حاکمیت است و اکیدا با بیدرعات شود.

هسته‌های وابسته اساسا بسبنا مبنا ی سلولهای موسسه یعنی در کارخانجات، روستاها، ارتش، ادارات (م) و... و محلات تشکیل میشوند. اما در عین اینکه جنبه تخصصی فعالیت خود را حفظ کرده و در یک رشته از فعالیت بطور عمده مشغول میشوند، میتوانند بطور حاشیه‌ای به سایر بوظایف سبنا بپردازند.

روشن است که رفقای جنبش عضویت در هسته‌های وابسته را دارند که از نظر سیاسی - ایدئولوژیک دارای وحدت با سازمان باشند و مواضع سیاسی - ایدئولوژیک آنها بیدیرند. در غیر اینصورت وحدت هسته‌ها بدارسوده و ارجهت

(م) - از آنجا تشکیله رفقای هوادار دانشجو و اسر آموزش سازمان، در سازمان مساعل خود یعنی سازمان دانشجویان و دانش آموزان سبنا متشکل میباشد. این طرح شامل ایندسته از رفقای می شود.

در اهتر از باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

تشکیلاتی نیز قابل دوام نخواهد بود.

رابطه تشکیلاتی نیز هسته‌های وابسته به سازمان، نه یک رابطه تشکیلاتی فشرده و نزدیک، بلکه یک رابطه محدود و عمده و عمدتاً از طریق دریافت گزارش‌های ماهیانه هسته‌هاست. می‌گیرد. اساس ارتباط سازمان با هسته‌های وابسته، ارتباط سیاسی - ایدئولوژیک بوده و از طریق پیکار و رهنمودهای آن در زمینه‌های مختلف انجام می‌گیرد تا سازمان با انعکاس نظرات سیاسی ایدئولوژیک خود، تعیین شعارهای حش کارگری، توده‌ای، رهنمودهای مربوط به سازماندهی جنبش توده‌ای، مسائل تشکیلاتی، امنیتی و... آموزش هسته‌های وابسته را به بیش برده و در این زمینه نشریه پیکار نقش رهبری را برای این هسته‌ها ایفا میکند.

هسته‌های وابسته باید در محدوده وظایف خود و بعنوان یک هسته وابسته به سازمان تابع اصول سازمانند. مگر استیک باشند و از این طریق از انضباط بالایی برخوردار بوده و استحکام و زندگی خود را تا مین نمایند. تصمیمات باید بصورت جمعی اتخاذ شود و اقلیت از تصمیمات اکثریت تبعیت نماید و اختلاف نظرات را صرفاً در عرصه مبارزه ایدئولوژیک روشن نمایند. در غیر این صورت هسته وابسته دچار لیبرالیسم شده و عملاً برای و کار - آبی خود را از دست داده و به یک محفل روشنفکری تبدیل می‌شود.

هسته‌های وابسته می‌توانند نام مشخصی مثل اسمی نهادهای سازمان و شخصیتی برجسته جنبش کمونیستی بین المللی و ایران را برای خود انتخاب کرده و به همین نام فعالیت خود را انجام دهند.

## وظایف هسته‌های وابسته

### الف - وظایف و ضوابط تشکیلاتی هسته

۱- آموزش و مبارزه ایدئولوژیک: برای تأمین ۴ مورد اساسی - ایدئولوژیک هسته سازمان و تأمین وحدت درونی هسته و استحکام تشکیلاتی آن بر مبنای مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، آموزش مواضع سازمان و مبارزه ایدئولوژیک درون هسته‌ها ضرورتی است. هسته موظف

است بر اساس رهنمودهای سازمان در این زمینه بطور فعال آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را در دستور کار خود قرار دهد.

۲- انتقاد و انتقاد از خود: یکی از خصایل با رزمونیست‌ها، انتقاد و انتقاد از خود است. هر فرد کمونیست موظف است به اشتباهات و خطاهای خود و دیگران توجه کرده و ضمن درس آموزی از آنها، با این اشکالات و اشتباهات بطور جدی و قاطعانه مبارزه نماید. انتقاد و انتقاد از خود، سلاح پرولتاریا برای تأمین استحکام و آبدیدگی سازمان خویش است. بدون این سلاح تشکیلات پرولتاریا از برندگی و قاطعیت لازم بی بهره است. لذا هر هسته وابسته باید امرانتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یکی از وظایف درونی، بطور جدی در مدنظر داشته باشد.

۳- آموزش نظامی و ورزشی: آموزش نظامی و ورزشی و ورزش و کلا آمادگی بدنی و نظامی از مهمترین فعالیت‌ها و وظایف هر هسته وابسته است. ورزش صبحگاهی، کوهنوردی و آموزش نظامی باید بطور جدی در دستور کار هسته قرار گیرد.

۴- رعایت صوابت‌های امنیتی: هر هسته باید در چهار رچوب وظایف مشخص، اصول مخفی کاری و امنیتی را کاملاً رعایت کرده و بدین وسیله حیات و ادامه کاری هسته را تا مین نماید. اصول مخفی کاری برای هسته علیرغم ایجا محدودیت‌هایی در فعالیت توده‌ای، برای تسدایوم مبارزه و کار توده‌ای هسته و استحکام آن کاملاً لازم و ضروری است. کوچکترین غفلت در اجرای ضوابط و اصول مخفی کاری، هسته را به تلاشی خواهد کشاند. لذا آموزش اصول مخفی کاری و فن مبارزه با پلیس سیاسی، از وظایف مهم هسته را تشکیل می‌دهد که باید بنحوی رهنمودهای مشخص سازمان انجام گیرد.

۵- گزارش نویسی: هر هسته وابسته موظف است که هر یک ماه یکبار از فعالیت درونی و بیرونی خود در عرصه‌های مختلف گزارش نویسی تهیه کرده و به سازمان ارائه دهد. در این گزارش فعالیت هسته، اسکالات و سوافص کار، پیشرفت‌ها و بیسیها ذات بطور خلاصه نوشته شده و می‌باید از درج هرگونه اطلاعات و مسائل امنیتی در آن خودداری شود.

### ب- وظایف بیرونی هسته

۱- تبلیغ: مهمترین بخش فعالیت یک هسته وابسته، فعالیت

تبلیغاتی است. بویژه در شرایط فعلی که رژیم می‌کوشد با حاکمیت حقیقی و سرکوب و جنوکیستی از فعالیت تبلیغاتی و انتشاراتی گروه‌های کمونیست و انقلابی، توده‌ها را از حقایق و واقعیات جامعه دورنگهدارد و متقابلاً فعالیت تبلیغاتی وسیع اذهان توده‌ها را دچار انحراف و کمراهی نماید، رساندن اخبار و گزارشات جنبش کارگری و توده‌ای و نقطه نظر و مواضع سیاسی سازمان و برنامه‌ها و مقادیر پرولتاریا به زحمتکشان و آگاه ساختن آنها نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات و خیانت‌های ارگانهای مختلف و سردمداران رژیم و بویژه شخص خمینی، افشای رویزونیست‌ها و همکاران صمیمانه - شان با رژیم حاکم و همچنین افشای لیبرالها و اقدامات جنایتکارانه و ضد خلقی آنها از فردای قیام به اینسو و همکاری صمیمانه‌شان با جناح حزب جمهوری اسلامی و نمایندگن چهره‌ها کارانه آنها به توده‌ها و در همین رابطه افشای آلترنا تویولیبرالی - بنی - صدرجا هدین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. وظایف تبلیغاتی هسته وابسته را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

الف - تکثیر اعلامیه، تراکت و مقالاتی از پیکار رگه‌های تکثیر تعیین می‌شود. هم‌اکنون که سازمان قاندر نیست و اصولی هم نیست که اعلامیه و تراکت و نشریه پیکار را در تیراژ وسیع تکثیر نماید، این وظیفه هسته‌های وابسته است که با تهیه ساده ترین وسایل چاپ و تکثیر با دریافت حتی یک نسخه از نشریه و اعلامیه سازمان به سرعت و به میزانی که امکان پخش آنرا دارند، آنها را تکثیر نمایند و از این طریق تیراژ اعلامیه‌ها و مطالبی از پیکار رگه‌ها پدیدست و سیعترین قشرهای توده‌ای برسد و بنحو وسیع بالا ببرند.

ب- توزیع و پخش نشریات: توزیع و پخش نشریات پیکار یکی از مهمترین و حساس ترین وظایف هسته‌های وابسته است. بدون رساندن اعلامیه‌ها و نشریات سازمان بدست کارگران و زحمتکشان کوچکترین سختی از کار توده‌ای و شرکت در جنبش توده‌ای نمیتواند در میان باشد. بدون این کار، تمامی فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان بی نتیجه خواهد ماند. کار پخش، بخصوص در شرایط حقیقی

کنونی، با دید بطور منظم و حساب شده و با ترکیب مناسب و بخصوص در مناطق توده‌ای صورت گیرد. علاوه بر پیش اعلامیه و تراکت و منتخبات پیکار، باید نشریه پیکار و دیگر نشریات سازمان را که بدست هسته‌ها میرسد بطور منظم به آدرس کارگران پیشروی که میشناسند برسانند.

ج - شعارنویسی: اهمیت شعارنویسی در مقابله با گذشته‌ها تنها کم نشده بلکه به مراتب افزایش یافته است البته در شرایط فعلی نوشتن شعارهای درشت و طولانی بر روی دیوار، خطرات بیشتری را در بردارد و از همین رو شعارنویسی باید توسط مائیک بر روی کیوسک‌های تلفن و نقاط مشابه آن و بصورت تراکت‌های چسب‌دار، صورت گیرد. شعارهایی که با یاد نوشته شود، مرتباً توسط نشریه پیکار ارائه خواهد گردید.

د - تبلیغات توده‌ای: هسته‌های وابسته علاوه بر تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و نشریات سازمان، میتواندند و با بدردرابطه با محیط فعالیت خود در موسسه تهیه و تکثیر تراکت و اعلامیه‌های ساده و به ماضی هسته‌پیدا زند.

۲- ترویج: از جمله وظایفی که بر عهده هسته‌ها (البته با توجه به امکانات هسته) قرار دارد، ترویج مواضع سازمان و متون پایه‌ای و مارکسیسم برای کارگران پیشرو و آگاه است. هسته‌های وابسته باید بر اساس رهنمودهای آموزشی که در سازمان و مقالات آموزشی ای که در پیکار درج میشود، نقش فعالی در بالا بردن آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران پیشرو ایفا نمایند.

۳- سازماندهی جنبش توده‌ای: شرکت در مبارزات صنفی سیاسی کارگران و دیگر سازمان‌ها که در کارخانه و دیگر موسسات و جبهه در محلات و ارتقا در سازماندهی این مبارزات، از مهمترین وظایف هسته‌های وابسته است و اصولاً وظایف تبلیغی و ترویجی که در بالا آن نام بردیم اساساً در رابطه با این وظیفه قرار میگیرد. این مساله بخصوص در مناطقی که سازمان اقمصادی موجود، مفروضات توده‌ها، سرکوب عربان و خصم رژیم جمهوری اسلامی و افراش آگاهی نوده‌ها، زمینه‌های عیبی و ذهسی حرکت‌های اعتراضی وسیع توده‌ای را در آینده چندان دور فرا هم‌حداست، اهمیت یاز هم‌پیشری میباید و رفقای متکمل در هسته‌های وابسته وظیفه دارند با استفاده از تمامی امکانات، خود

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله ۵۵۵  
توده‌ها داشته و در مسیر بروز عینسی مقامت اعتراض توده‌ها در اشکال آشکار و توده‌ای خود، مانع ایجاد کرده است. توده‌ها اکنون نظاره‌گر نبرد بی‌امانی هستند که میان ضد انقلاب مسلح از یکسو و نیروهای مخالف و انقلابی مسلح از سوی دیگر ادامه دارد و خود در آن صاحب هیچ نقش موثر و حضور مفیدی نیستند.

این درست است قدرت سیاسی از درون لوله تفنگ بیرون میآید اما از درون لوله تفنگی که در دست توده‌های بی‌باخته و قیام‌کننده مردم که رهبران در پیشا پیش آن قرار دارند، باشد، تفنگ در شرایط فعلی عمدتاً نه تنها در دست توده‌ها قرار ندارد بلکه هنوز به چنان درجه‌ای از آمادگی نرسیده اند که تفنگ را در دست گیرند. البته میتوان کودتا کرد میتوان در طی یک عملیات ویژه قدرت سیاسی را بدست گرفت اما این قدرت سیاسی نه مطلوب زحمتکشان بلکه حداکثر انتقال قدرت از دست یک جناح بدست جناح دیگر بر زوای در چهارچوب حفظ همان نظام سیاسی (ولاجرم اقتصادی) موجود است و اتفاقاً خط مشی مجاهدین و بنی صدر نیز در حال حاضر بر همین امر نظارت دارد. بنی صدر در یکی از سخنرانی‌های پیش‌گفته بود که با از بین رفتن ۵ تن از رهبران درجه اول هیئت حاکمه (که دونفر آنها در طی انفجار از بین رفتند - یعنی رجا ثی و باهنر) رژیم سقوط خواهد کرد! صرف نظر از درستی یا نادرستی این ادعا این گفته بخودی خود نشان میدهد که بنی صدر خواهان چه نوع سرنگون کردنی و در پی چه نوع حکومتی است. او خواهان جمهوری اسلامی است که وی رئیس جمهورش باشد، اگر خمینی هم به چنین "جمهوری" ای تمکین نمود، بر او تعرضی جایز نخواهد بود! انتقال قدرت از دست یک جناح از بر زوای بدست جناح دیگر! این است آنچه بنی صدر و رهبران مجاهدین در شرایط فعلی در پی آن هستند. اکنون مجاهدین و نیروهای نظامی خود را به میدان میفرستند تا لابد بنا بودی ایمن

پنج نفر "این کودتا را به نفع بنی صدر و یا هر شکل رژیم بورژوازی دیگر به انجام رسانند. چنین هدفی در خط مشی سیاسی، با چنین تاکتیکی در شکل مبارزه، دقیقاً در تضاد با حق قرار گرفته است.

علاوه بر این روشن است که پی-آمد این ضربات سنگین بر رژیم و این عملیات نظامی بزرگ (و نیز اشکال کوچکتر آن)، بدلیل عدم انطباقش با تناسب قوای موجود آمادگی ذهنی و عینی توده‌ها تنها دست رژیم را در افزایش درجه اختناق و سرکوب و کشتار و در یک کلام گسترش تروریسم ضد انقلابی دولتی بازتر خواهد کرد. و بیش از پیش وی را در نابود کردن ضربه وارد آوردن به نیروهای جنبش و عموماً صراحتاً و کما در - های انقلابی جنبش جری تشر خواهد ساخت. افزایش میزان کشتارها اعدام‌ها و اسارت‌ها در روز - های اخیر بعد از انفجارها حاکی از این واقعیت است. این عملیات ما چرا جویا نه و کودتا گرانه، نه نظارت بر ضرورت بسیج توده‌ها و بر - انگیزتن و ارتقاء و سازماندهی مقامت اعتراضی توده‌ها بر برای درهم شکستن تعرض رژیم ضد انقلابی حاکم را در دونه میتزاند و نیروهای آگاه و کارهای رهبری کننده توده - ها را که جنبش بدون آنها نمی - تواند گام موثر در جهت ارتقاء بر - خود بردارد و بدون آنها هیچ سخنی از پیروزی جنبش نمی تواند در میان باشد، حفظ نماید و نه امکان ایجاد ارتباط محکم میان عناصر و نیروهای آگاه و جنبش خود بخودی و اعتراضی توده‌ها را فراهم آورد. بالعکس در همه این زمینه‌ها موانع و سدهای جدی ایجاد مینماید و ایجاد خواهد کرد. به همین جهت هر چند که این عملیات حتی موفق به نابودی کلیه سران رژیم هم شود حتی حداکثر امکان با بد که هیئت حاکمه فعلی را ساقط نماید تنها یک کودتا انجام داده است، کودتائی که بی شک تنها کسانی که هیچ نفعی از آن نخواهند برد توده‌های محروم جامعه هستند، همانها ثی که قبل از آن نیز در محاسبات تاکتیکی، صاحب هیچ نقش و دخالت موثری نبوده‌اند

امکانات توده‌ای تا مین شود. از اینرو یکی از وظایف هسته‌های وابسته تا مین این تدارکات و استفاده خود هم چنین در اختیار قرار دادن آنها به سازمان میباشد در اینصورت در رقابت با بدبختان شده باشند که مهمترین وظیفه تدارکات، پیگیری در کشف و یافتن این - بقیه در صفحه ۸

را آماده استقبال از جنبش توده‌ای شرکت فعالانه در آن و ارتقاء و سازماندهی این جنبش نمایند. ۴- تا مین تدارکات: سازمان در شرایط فعلی، بیس از هر موقع دیگر و به ویژه پس از ضربه اخیر - نیارمند کمک‌های مالی، تدارکاتی در زمینه‌های مختلف میباید پیش اعظم: این تدارکات باید از طریق

بقیه از صفحه ۱۶ رفیق ۰۰۰

مبارزاتی و ایما سی سرشار به بیروزی زحمتکشان همراه با دانشجویان مبارز دیگر در اعتراضات تحصن ها و مبارزات کارگزاران کارخانجات تهران شرکت میکرد. او که با تمام وجود خواهان بریدن از طبقه خویش و پیوستن به صفوف رزمندگان زحمتکشان بود صافا دقانه به زندگی و فعالیت پرشور در میمان آنان پر داخته از نزدیک با رنجها و محرومیتها ی زندگی رنجبران ایران که در زیر استمنا روحشانه سر ما به داران به فلاکت و بدبختی افتاده بودند، آشنا شد. خصا یل والا و انقلابی پرولتاریائی قهرمان ایران را با زشناخته با کسب ایدئولوژی و آرمانهائی پرولتاری هر لحظه بیش از پیش خود را متعلق و وابسته به صفوف رزمندگان زحمتکشان میدید. رفیق که از زمان ابتدای فعالیت در میان طبقه، به ضرورت کار منظم تشکیلاتی پی برده بود، با مبارزه و و طردن نظرات و تشکلات راست و اپورتونیستی، همپا روملاک انتخاب خود را پراتیک و فعالیت انقلابی سازمانها بر مبنای وفاداری به ما رکیسم-لنینیسم و مرزبندی قاطع با رویزیونیسم قرار داده و به پیوستن دلیل بود که با شور و اعتقاد فراوان و افتخار آ میر به صفوف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست و از آن لحظه به بعد به عنوان یک کمونیست پیکارگر، آگاهانه و با انرژی و ایمانی بسیار، وظایف تشکیلاتی خود را به انجام میرساند.

رفیق همراه با رفقای دیگر در میان زحمتکشان شهرک ولی عصر زندگی و فعالیت کرده به آنسان عاطفه بسیار عمیقی داشت و با ایمان به رسالتشان به آگاه کردن آنسان میپرداخت با سداران جیل و سرمایه این حامیان رژیم سرما به داری و مرتجع جمهوری اسلامی رفیق را یکبار زمانی که مشغول بخش اعلامیه بود دستگیر کرده و به زندان بردند. اما او هم مانند تمام کمونیستهای راستین، لحظه ای انگیزه و هدف مبارزاتی خویش را فراموش نکرده با هوشیاری و جسارت تمام مبارک و اطلاعات خود را از بین برد و سرانجام با سوراخ کردن دیوار زندان شانه موفق به فرار شده بود و با خواندن سرودها و شعار انقلابی در بیسن راه برای هزارمین بار به دوخیمان رژیم ثابت نمود که کمونیستها از سرش و یزوات هستند و اراده و استقامت آنان همچون فسولاد آسیده است.

رفیق که در این اواخر در قسمت توزیع تشکیلات تهران و با موضع سازمانی کاندید عضو فعالیت مینمود در جریان حمله وحشیانه اخیر ارتجاع، با ردیگر به زندان افتاد. اما این بار او هیچگونه تزلزلی به خود راه نداد استوار به پیش رفت و در آخرین لحظه با هوشیاری کمونیستی خود موفق به نجات جان برخی از رفقای سازمان گردید. رفیق تا در رفیقی صمیمی با احساس مسئولیت وجدی بود. درهما سنگ کردن و ارگانیزه کردن کار جمع فعالیت چشمگیری نمود. رفیقی منضبط و دقیق بود شور انقلابی و اعتقاد عمیقش به آرمان طبقه کارگر و ضرورت پیشبرد بدون وقفه مبارزه طبقاتی موجب میشد که رفیق با همکاری سایر رفقا، در این قسمت، از هیچ کوشی برای ادا مکار فعالیت انقلابی و رساندن نشریات و اعلامیه های سازمان بدست توده ها فروگذار نکند. رفیق با بهینش سیاسی و تیز بینی ای که داشت علمبرغم سنگینی وظایف عملی اش از سر خوردن به مسائل سیاسی ایدئولوژیک سازمان غفلت نمی ورزید. او میگوید تا پراتیک انقلابی را با تعمیق اندیشه های کمونیستی خویش پیوند زده یک "پلشویک" شایسته تشکیلات کمونیستی پرولتاریا باشد.

او سرانجام بدست پاسداران جلاد کمینی همراه با عده ای دیگر از رفقای کمونیست اش به جوخه آتش سپرده شد. آنها بخاطر پیروزی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق عاشقانه گلوله های سربی را پذیرا شدند اما یاد و راهشان جاودانه سرخ باقی خواهد ماند. با وجودیکه گلوله های آتشین جلادان قلب گرم و سرشار از عشق و محبت او به زحمتکشان را آماج تیرهای خود قرار دادند ولی هرگز نتوانستند راه سرخ او را که با خون صدها چون او گلگون گشته است و هدف او سایر رزمندگان انقلابی را نا بود نمایند او همانطور که زمانی به یکی از رفقا پیش گفته بود از مرگ خویش حماسه ای جاودانه ساخت: "اگر روزی مرا در مقابل جوخه آتشی قرار دهند، احساس باشکوه خواهم داشت و در آخرین لحظه با مشت های گره کرده و با تمام وجودم فریاد خواهم زد: زنده با دوسویا لیم!"

یادش گرامی باد!

رفیق ۰۰۰

امکانات وجدی گرفتن هر چند بظا هر کوچک و کم اهمیت و جهت دادن آنها در رابطه با نیازهای سازمان میباشد.

۵- کسب اطلاعات از جمله وظایف مستمر هسته های وابسته کسب اطلاعات از وضعیت درونی ارگانهای اداری و سرکوب دشمن (بویژه ارتش، سپاه پاسداران، کمیته ها) و موقعیت احزاب و گروههای ضد انقلابی است، این اطلاعات که شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، تضادهای درونی، برنامهای کوتاه مدت و دراز مدت، شیوه ها و اسلوبهای کار، مهره های مهم و موثر این ارگانها و احزاب میباشد میتواند سازمان را در برررسی و تحلیل های سیاسی، شیوه ها و ضوابط امنیتی و اقدامات نظامی در آینده برای رساند.

۶- ارسال اخبار و گزارشات: نشریه پیکار، بدون داشتن صدها و حتی هزاران خبرنگار توده ای که نشریه را در جریان اساسی ترین مسایل و رویدادهای جنبش قرار میدهد، هیچگاه نمی تواند نقشه و وظایف سیاسی و تبلیغی خود را ادا دهد. این مساله بخصوص در شرایط خفقان کنونی اهمیت با زهم بیشتر پیدا میکند. از اینرو یکی از وظایف روزمره و عمومی هسته های وابسته و بویژه هسته های که در کارخانجات و موسسات مهم فعالیت میکنند، ارسال اخبار و گزارشات منظم برای نشریه پیکار را نزدیک ترین وسیله ارتباطی ممکن می باشد. رفقا باید توجه داشته باشند که اخبار و گزارشات ارسال باید خلاصه، کامل و موثق باشد و در صورت عدم موثق بودن کامل درجه موثق بودن آنها را روشن نمایند.

رفقا! مادر شماره های آینده پیکار در باره هر یک از وظایف درونی و بیرونی هسته های هوادار رهنمودهای تفصیلی خود را با شما در میان خواهیم گذاشت.

پیروز باشید!

**رفقا!**

در نتیجه آنها جم غفول و ارزیم و اعدای دستجمعی و بیشتر ما را برای شمردن شهیدان و بررک داشت آن عزیزان نیست. وظیفه کمونیستی و انقلابی ایجاب می کند که هر اطلاعی از زندگی و مبارزه این رفقا دارید، یا خاطره یا... برای تحریه بفرستید.



# به فتوای خمینی، اینچنین باید شکنجه کرد!



سوابق داری  
وابسته

در شماره ۱۱۵ پیکار نوشتیم که بدنبال فتوای خمینی  
داثر بر "حلال بودن شکنجه" انقلابیون و کمونیستها، رفیق  
کریم ساعی، کمونیست پیکارگری که ۸ سال از عمر خود را در  
صبارزه گذرانده بود، در زیر شکنجه جلادان خمینی به شهادت  
رسید. در شماره ۸۸ "راه کارگر" مورخه ۲ شهریور ماه شرحی از  
شکنجه رفیق شهید کریم ساعی درج شده است که ما از آن، متن  
زیر را اقتباس کرده ایم.

پس از ۴ روز اسارت در زندان (تبریز) او را که در آستانه  
مرگ قرار داشت و بدنش خرد و در هم پیچیده بنظر میرسید به  
بیمارستان منتقل کردند ولی بعلت ضربات شدیدی که بر  
قفسه سینه اش وارد آمده بود به احتقان حاد ریوی مبتلا شده  
و در بیمارستان درگذشت. تنها بدن رفیق از آثار ضرب و  
جرح به رنگ کبود درآمده بود. چشم در اثر ضربات وارده  
شدیدا متورم بود، بینی و یکی از بازوهایش را شکسته بودند.  
استخوانهای سینه اش بسختی آسیب دیده بود، روی شکم جای  
سوخکی بود، خون استفراغ میکرد و تورم و خون مردگی در  
بسیاری از نقاط بدنش کاملاً مشهود بود. با سدا رجنای پیکاری  
که از او در بیمارستان محافظت میکرد بدون توجه به وضع  
و حالت با روحالت احتضار در دناک او میگفت: "چطوری آقای  
ساعی باز هم کتاب می خوانی؟" و در پاسخ پرستاری که  
پرسیده بود "چرا این جوان را به این رورانداختید" گفت:  
"چون این آقای کمونیست است و ما با تمام کمونیست ها همین  
رفتار را خواهیم کرد". یکی از خواهران زینب "ما مورسده  
بود که پرستاران بطور محدودیه او سر بزندان و هیچ گفتگویی  
با او نداشته باشند.

گسرامی سادات ای رفیق کمونیست!  
شنگ و نقرت و مرک بر جلادان خون آشام است!

★ ★ ★ ★ ★

رفقای "راه کارگر" در ذیل خیر فوق شرحی از  
شکنجه یکی دیگر از رفقای ما آورده اند که آنرا عیناً  
نقل میکنیم:

"یکی از رفقای دختر هواداران ما زمان پیکار که در  
تبریز تبریر باران شدید زوختناکی شکنجه شده بود با  
اطوی داغ آنقدر سر بدنش کشیده بودند که سر تا سر  
سوخته بود و سینه هايش کاملاً صاف شده بود. زنی که  
برای تحویل گرفتن جنازه برادرش آمده بود، با  
مشاهده بیکر تغییر تکل داده این رفیق پیکارگر  
آنچنان مبهوت مانده بود که پاسداری با قفسه ق

تفنگ او را مورد حمله قرار داد که: "توصیط حق داری به  
جنازه مال خودت بگا ه کنی". اعدام این رفیق - حشر  
۶ تن از هواداران دیگر سا زمان پیکار را از رادیو  
اعلام نشده بود. بنا بر این خواهرا این شهید در مقابل  
زندان، شکنجه و اعدام قبیح رژیم را برای همه توضیح  
میداد و میگفت: "قسم خورده ام هر کجا جمعی را ببینم  
این اقدامات فاشیستی رژیم را افشا بام."

خبر دیگری هم جاکی است که برخی از زنان که در  
مرده شور خانه بهشت زهرا کار میکنند، بدلیل آنکه  
مکرراً با اجساد تکه تکه شده دختران انقلابی مواجه  
شده اند، دچار نوعی بیماری عصبی شده اند.

از هر طریق ممکن

برای سازمان

لر سال نمایید

رفقا!

با تقدیر از کمک های

مالی شما،

کمک های مالی خود را

بقیه از صفحه ۱۴ آدمکشان ۰۰۰  
حرب الهی های محل که از این همه  
استقبال عمومی وحشت کرده  
بودند هادی غفاری سردست  
جماداران را خیر میکنند. غفاری  
همراه با ۲۰۰ - ۳۰۰ ملج به محل  
آمده و حمله هایی که برای سوکواری  
گذاشته بودند خرد میکنند و با چند  
ما نور محل را ترک می نمایند این  
حادثه اوایل شهریور اتفاق افتاده  
است.

دادگاه های فاشیستی حکومت خمینی نابود باید گردد!

# دمکراسی انقلابی یاد مکراسی بورژوازی ضد انقلابی!

## نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"

زنند، و در عین حال همان شعاری که هیات حاکمه، یعنی دشمن کنونی بنی صدر و سازمان مجاهدین، نیز در زیر آن سینه میزند و آن را به شمار اساسی حکومت خویش تبدیل نموده است. پس گره کار در کجا است؟ چگونه میتوان از در هم ریختن ملایک ها و معیارها جلوگیری نمود؟ چگونه میتوان مفهوم واقعی عبارت "کلمات آشکارا ساخت؟ مسئله این است که یک حزب و نیروی سیاسی (و ایضا یک شخصیت محترم و متمهد) را نه از روی گفتار بلکه از روی کردار واقعی اش میتوان و میبایست شناخت. معنای واقعی کلمات و گفتارهای یک حزب و یا رهبر سیاسی را حتی اگر زیبا ترین کلام هم باشد تنها با حروف اعمال و کردار گذشته و حال وی میتوان هجی کرد و معنای واقعی اش را دریافت: "برای آنکه بتوان به ما هیت مبارزه، حزبی پی بردن یا دید بگفتار و کردار و بلکه با دیدن تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آن چیزی باشد که خود احزاب درباره خود میگویند، بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل میکنند. و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند و داموری که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره به میان می آید، چگونه رفتار می نمایند. (لنین - احزاب سیاسی در روسیه) میثاق نامهای که پای به اختلاف مجاهدین و لیبرالها، قرار گرفته است، صرف نظر از آنکه در جای خود، رد پای منافع و مطالبات بورژوازی لیبرال را در خود دارد، اما یک برکه کاغذ بیشتر نیست که با کلمات زیبا بر آن اهداف و برنامهای زیبا را نقش بسته اند.

این همان کلمات و عباراتی

جمهوری اسلامی را نگاه کنید، کمتر کلمه ای در میان کلمات فوق می توان یافت که رژیم خود را اسمیل آن در جهان نداند. طرفداران توده ترین "انقلاب" هاست (انقلاب اسلامی)، خود را پیگیرترین رژیم استقلال طلب و ضد امپریالیست در مقیاس جهانی که میداند، خود را طرفدار پیگیرترین نوع آزادی و دمکراسی (البته بدون بکارگرفتن این کلمه، چون آن را غربی میدانند) و تازه آنهم آزادی و دمکراسی برای زحمتکشان، و نه نوع لیبرالی آن میدانند. و اتفاقاً درست با تکیه بر همین عبارت پردازیها و انجام برخی اقدامات و فرقهها، توانست به مدت دو سال نه تنها ذهن بسیاری از کارگران و زحمتکشان را نسبت به ما هیت خویش آشفته سازد، بلکه حتی اذهان بسیاری از نیروهای دمکرات، منجمله خود سازمان مجاهدین و نیروهای جنبش کمونیستی را نیز برایشان نماید. بطوریکه تا همین دیروز مجاهدین از "مشروعیت" رژیم سخن میگفتند و آیت الله خمینی را به "انقلاب" و "اسلام" و "آزادی" قسم میدادند. آری کلمات همواره مورد سوءاستفاده فراوان قرار گرفته اند، و اکنون آقای رجوی با اظهار "توافق" سازمان خویش با بنی صدر و بنی صدرهای طرفدار "دمکراسی" و نفی کننده "استبداد خمینی"، ما به بیشترین و عظیمترین سوءاستفاده را از این کلمه فراهم میسازد.

البته بنی صدر خود در میثاق از توافق بر سر این نکته فراتر رفته است و "استقلال" را هم میسازد "نکنه" و پایه اساسی این "توافقات" اعلام کرده است و بدین ترتیب شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را کار پای به اتحاد و اختلاف کلیه نیروهای معتقد و متعهد به مفاد "میثاق" قرار داده است، همان شعاری که اکنون سازمان مجاهدین و بنی صدر مشترکاً تحت لوای آن سینه می -

آقای مسعود رجوی چندی پیش در مصاحبه ای با روزنامه لوموند در فرانسه، در مورد بنی صدر گفت: "سازمان ما با آقای بنی صدر بر سر یک نکته توافق کامل دارد و آن دمکراسی و نفی دیکتاتوری در ایران است." اگر آقای بنی صدر میخواست تن به دیکتاتوری و استبداد آیت الله خمینی بدهد، امروز هنوز رئیس جمهور بود.

این "توافق" بر سر "دمکراسی" امروز کینه ما هیت خط مشی سیاسی سازمان مجاهدین را آشکارا میسازد که بر پیمان نامه "میثاق جمهوری اسلامی ایران" (به قلم بنی صدر) استوار گشته است.

دمکراسی، این کلمه از جمله کلمات و عباراتی است که در تاریخ مورد سوءاستفاده فراوان قرار گرفته است و طبقات و نیروهای اجتماع مختلف المنافع بکرات آن را به پوششی برای استوار خط مشی و منافع طبقاتی خویش تبدیل نموده اند، همچنان که کلماتی مانند "انقلاب، آزادی، استقلال، جمهوری سوسیالیسم" و چنین بود، و چنین میباید.

در تاریخ کسانی ما نندستی، بر جلا دگمون پاریس را می شناسیم که در انقلاب فوریه فرانسه، پس از برآمدن انقلاب خلق، خود را طرفدار انقلاب نامید و گفت که "من متعلق به حزب انقلاب" است، در تاریخ نمونه سوسیالیست دمکرات هائی چون شایدمان و نوسکه و... را میشناسیم که خود را "سوسیالیست" مینامیدند. اما در آلمان ۱۹۲۰ پیش از ۱۵۰۰۰ نفر از کمونیست ها و کارگران انقلابی را قتل عام نمودند. در تاریخ بیسمارک را میشناسیم که نماینده بورژوازی بزرگ سلطنت طلب بود، اما خود را "سوسیالیست" میخواند، و با دولتی کردن بخش مهمی از اقتصاد سرمایه داری آلمان نظام خویش را "سوسیالیستی" اطلاق میکرد، در تاریخ معاصر نمونه کشور های "اروپای آزاد" و "آمریکای آزاد" را میشناسیم که دم از "دمکراسی" میزنند، اما این "دمکراسی" تنها روی نای پوشیده و فریبنده ارتجاع امپریالیستی است که سر اسرجهان را به زیر نگیین غارت و جپاول اقتصادی و ستم سیاسی کشانده است و... اما لازم نیست که به تاریخ رجوع نمود تا واقعیت فوق را آشکارا ساخت. در همین تاریخ دو ساله کشورمان وهم اکنون میتوان به اندازه کافی به مثال های متعدد روشن کنسازد فراوان استناد کرد. همین رژیم -

## زنده باد سوسیالیسم!

هستند که رهبران کنونی جمهوری اسلامی و منجمله خمینی قبل از قیام به حکم جبار و فشار انقلاب و فاداری خود را بدان اعلام کرده بودند. همین خمینی، در پارسی اعلام نمود که در جمهوری وی، ما رگسیت ها آزادند عقاید خود را بیان کنند و به فعالیت بپردازند. اما تجربه دو سال و نیمه حکومت آنان نشان داد که "مارکسیست" های آزاد در رژیم جمهوری اسلامی "مارکسیست" های از نوع حزب توده و اکثریت هستند که قطعاً با مبارزه طبقاتی، یعنی جوهراً سیاسی مارکسیسم دشمنی میکنند و آن را به شیوه بورژوازی درک میکنند و عمل مینمایند. مفاهم واقعی "میشاق" تا ماهی صدر، که هم اکنون رهبران سازمان مجاهدین بدان توسل جستند، را از روی کردار واقعی وی و دیگر رهبران بورژوازی لیبرال، در هر شکل و لباس آن (یعنی سلطنت - طلبان و جمهوری خواهان لیبرال) در دوران پیش و پس از قیام میتوان درک نمود. همان کرداری که آقای بنی صدر، در حال حاضر بدان افتخار می نماید و آن را سند حقانیت خویش ساخته است.

بورژوازی لیبرال ایران و در رأس آن شخص بنی صدر مهمترین ویژگی و خصیصه برنامۀ خود را "آزادی خواهی" و اعتقاد به "دموکراسی" می دانند و عمدتاً از همین زاویه بود که در گذشته وجه در حال برجناح دیگر یعنی رهبران کنونی رژیم جمهوری اسلامی مینماختند (و اکنون هم می - تا زند). در میثاق تا ماه سیزدهم نکته مورد تاکید فراوان قرار گرفته است بنی صدر در "میثاق" تا ماه خود می نویسد: "آزادی به مثابه بازتاب استقلال در سیاست داخلی، یعنی توان یا به دوام جمهوری اسلامی پذیرفته بود. سپس شکل دلخواه حکومتی را که میتواند این "آزادی" را تا مین نماید، یعنی مضمون "دموکراسی" و به مثابه شکل دولت مورد نظر خود را چنین بیان میکند: "بازگردانیدن انقلاب به مسیر خود نه تنها مستلزم پایان بخشیدن به این گونه ولایت و استبدادی است بلکه (چون نظیر این ولایت در ولایت احزابی که پس از پیروزی، استیلا برقرار میکنند نیز وجود دارد) ممنوع ساختن ولایت استبدادی، حزب و جبهه و... را نیز ضروری میگرداند. این جمهوری همانطور که در جریان انقلاب اسلامی و از انقلاب مشروطیت به نحوی استقرار یافته بود، هرگونه ولایتی تنها از طریق راه عمومی و اراده آزاد مردم کشور قابل اعمال است و پس ("متن کامل میثاق شورای ملی مقاومت")

وقبل از این گفته نیز در توضیح "استبداد شخصی"، انواع آن را در "استبداد دینی"، "استبداد شاهنشاهی" و "استبداد ایدئولوژیک" خلاصه می کند و آنها را مورد نفی قرار میدهد. این شکل حکومت مورد نظر "میشاق" مطابق مندرجات آن نگاه موظف به اجرای "آزادی بیان" و "لغو سانسور" آزادی "اصل انتقاد" و... میباشد تا بر اساس آن بتواند "شعور عمومی" مردم را ارتقاء دهد و بدین ترتیب "راه را بر اعمال آمریکا" در ایران بندد و "استقلال" را تا مین نماید. این "دموکراسی" به مثابه شکل حکومتی مورد نظر "میشاق" مطابق گفته های رجوی، همان نکته ای است که سازمان مجاهدین را با بنی صدر و "شخصیت" - های نظیر ایشان (مثلاً امثال سید جوادیه...) به "توافق" رسانده است و با به اشتغال آنها را تشکیل داده است.

دموکراسی و آزادی، همان کلمه ای است که در طول تاریخ بیشترین سوء استفاده ها از جانب بورژوازی نسبت به آن صورت گرفته است. بورژوازی همواره کوشیده است که خلعت تاریخی - طبقاتی این مقوله را استوار نماید و دموکراسی بورژوازی را چیزی ماوراء طبقات و تاریخ، و خواست همه "مردم" جلوه دهد. در دوران اولیه تکوین و رشد سرمایه داری در اروپا، بورژوازی، علیرغم آنکه به لحاظ تاریخی طبقه ای پیشرو و مترقی و از همین زاویه دموکراسی مورد نظرش به نفع تکامل تاریخی و جامعه بود، لیکن همواره تلاش میکرد تا این واقعیت را که "آزادی" و "دموکراسی" مطلب بورژوازی، نه تنها استثمای روستای طبقاتی را از میان نمیردونه تنها آزادی را برای طبقه کارگر و سایر توده های زحمتکش به ارمغان نمی آورد، بلکه نوع جدیدی از زحمت بندگی طبقاتی و شکل نوینی از استثمای طبقاتی را مستقر میسازد، پوشیده نگاه دارد. از آن پس تاکنون یعنی در دوران فعلی، عصر امپریالیسم نیز که بورژوازی و دموکراسی آن تاریخ خلعت ارتجاعی یافته است احزاب و رهبران بورژوا همواره از این کلمه به نفع تحکیم پایه های ستم طبقاتی بورژوازی و استثمار و حشانه طبقه کارگر سوء استفاده نموده اند.

لازم نیست به نمونه ها و مثال های تاریخی مراجعه کنیم تا این نکته را روشن سازیم در همین تاریخ چند ساله انقلاب ایران، عملگردهای بورژوازی لیبرال، بروشنی این نکته را متکشف میسازد. در دوران شاه رهبران و احزاب ضد انقلابی

بورژوازی لیبرال، همچون جبهه ملی نهضت آزادی (که مجاهدین آنها را نیروهای مترقی خواندند) و خواهان تعدیل دیکتاتور فاسدی شاه و مشارکت بیشتر لیبرالها، به همراه نمایندگان سرمایه انحصاری وابسته، در قدرت سیاسی بودند و شعار آنها نیز چیزی جز سلطنت مشروطه نبود. بعدها نیز، اگر تحت فشار جنبش ناچار به پذیرش جمهوری شدند این تغییر، نه تنها نشانه چرخش لیبرالها نبود، بلکه دقیقاً نشانه از تکامل و فشار جنبش و انقلاب و نشانه این بود که بورژوازی لیبرال برای خیانت به انقلاب و به شکست کشاندن آن حتی حاضر است لباس جمهوری خواهی را نیز به تن نماید. مضاف بر اینکه جمهوری مورد نظر آنها، هیچ تفاوت مضمونی و اساسی با شعار سلطنت مشروطه آنها نداشت. آنها کماکان تحت پوشش "دموکراسی" و "آزادی" خواهان دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی، حفظ و بقای سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم بودند. پس از قیام، و استقرار دولت لیبرال بازرگان، نکته فوق بوضوح روشن گردید و هرگونه توهم از روی "آزادخواهی" و "ملی بودن" بورژوازی لیبرال در تجربه عملی توده ها زود پدید آمد. دولت بازرگان نه تنها بلافاصله به بازسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم امریکایی پرداخت، بلکه برای تحکیم مواضع و استقرار دولت بورژوازی - که در جریان قیام ضربه دیده بود - سرکوب کارگران و زحمتکش و خلعها را در دستور گذاشت، به شورا های مترقی و واقعی حاصل قیام و مبارزات کارگران در کارخانه ها و موسسات حمله کرده سرکوب در کردستان را بی درنگ در دستور کار خود قرار داد و...

بنی صدر نیز که از زیرک ترین رهبران لیبرال بود در دولت موقت، با عدم شرکت خود در ارگانهای اجرائی خود را به مثابه یک نیروی ذخیره برای رهبری آینده رژیم بورژوازی در لحظات بحرانی آماده می ساخت، پس از انتخاب به ریاست جمهوری رژیم، به شکل ظریفتری همان سیاست پیشین را در دستور کار خود قرار داد. او که با شعارهای فریب کارانه ای از قبیل "ملی"، "امنیت" و... پای به عرصه میدان گذاشته بود، در فرصت کوتاهی معنای واقعی این کلمات را در عملگردهای خود به نمایش گذاشت. اما نه فریبکارانه "بانک بدون بهره" در مدت کوتاهی واقعیت خود را آشکار ساخت. و روشن شد که با نکته به مثابه ثریان حیاتی سرمایه داری، بدون بهره، اصولاً

<p>بقیه از صفحه ۴ نفتگران ۵۵</p> <p>این است نتیجه بستن شیر نفت به روی امپریالیستها در زمان قیام که شما حالا به آن توهین میکنید؟ غرضی میگوید "من کی این حرف را زدم و توهین کردم؟" و آن شخص میگوید: "شما خودتان الان به اعتبار کار - کنان نفت در آن موقع توهین کردید اگر قبول ندارید نواری که صدایتان را ضبط میکنند برگردانید و بشنویید." غرضی میگوید "تو ارجیه آقا بنشین آقا و تشنج در سالتن بالا میگیرد. با سدا رها به تکا پومی - افتند و غرضی میگوید: "این مردک احق کیده که این حرف را میزند؟" بعد از این جریان غرضی اشاره می- کند که زکلیه حقوقها ۱۵ درصد کم خواهد کرد زیرا دولت ۸۵ درصد بودجه اش صرف حقوق بگیران می - شود و ۲۰ درصد آن فقط صرف کارهای عمرانی و... در این موقع عده ای دیگر از کارکنان حاضر در سالن - مشت های خود را بالا میبرند (بسه علامت اجازه صحبت خواستن!) پاسداران به این عده میگویند: "لطفا مشت بالا نبرید دستها را باز بالا ببرید" یکی از حاضرین خطا ب به غرضی میگوید: "آقای غرضی بجای کم کردن حقوق ما بروید سرما به گردن کلفتها و سرما به داران از ایشان بگیرید!" جلسه با گردن کلفتی های غرضی پایان گرفت. اکثر کارکنان از نحوه برخورد غرضی ناراحت بودند و با دلخوری و بیچ سالن را ترک گفتند.</p> <p>خبر دیگری حاکی از اینست که بدستور رئیس پالایشگاه و غرضی ۵% از حق شیفت کارکنان شیفتی کم گردیده است و از حقوق کلیه کارکنان پالایشگاه هم ۱۰% کم خواهد شد.</p>	<p>فریب توده ها سکوت اختیار میکرد.</p> <p>آری این است کارنا مه بنی - صدر در دوران زما مداری وی، و معنای دموکراسی و آزادیخواهی - کارنا مه کسی که اکنون مزورانه دم لفسو سونور، آزادی اجاز، ضرورت وجودشوراها، "آزادی اقوام" و... میزند و به "استبداد" حمله مینماید. بنی صدر هم اکنون این کارنا مه سبا را ما به اختیار روستد حقا نیست خویش میداند. زهی پیشرو و قاضی آنچه که رهبران دورا ندیش لیبرال و موضعگیری و تائید لفظی انقلاب و... کشانده است، نه دفاع از منافع زحمتکشان و دموکراسی انقلابی بلکه ضرورت ایجاد آنچه نامشکلی از حکومت است که بتواند نظام حاکم را از خطر انقلاب، محفوظ دارد و پاییه - های آن را در فریبنده ترین پوش - ها محفوظ نگاه دارد. مخالفت بنی - صدر با استبداد خمینی و ولایت فقیه و... بیش از هر چیز ناشی از آن است که او این استبداد و شکل عربیان و عقب مانده اعمال حکومت را عاملی جهت فوران و خیزش سریع انقلاب و در خطر قرار گرفتن حیات کل نظام، میدانند و از این خطر است که او این - چنین هراسان است بیهوده نیست که بنی صدر تا آخرین لحظه و برش قطعی از ارتجاع حزبی، به آتان هشدار میداد که در جاهی که کنده بد خود فرو خواهد افتاد. لیکن حزب جمهوری آنقدر کودن بود که به نسخه های دور - اندیشانه بنی صدر برای حفظ نظام حاکم واقعی ننهاد و او را با نوک چکمه پا از حکومت رانده و از آن پس بود که بنی صدر راه به اصطلاح "انقلابی گری" را در پیش گرفت و خواهان از میان رفتن "استبداد دشمنی" آیت - الله خمینی، یعنی کسی که تا دیروز "مردی وی میخواند، گردید."</p> <p>آری، دوستان مجاهد، آقای رجوی، این است مضمون و محتوای واقعی "دموکراسی" مورد نظر - بورژوازی لیبرال و شخص بنی صدر، این چیزی است که شما با اشتلاف خود بر آن پرده ساترمی افکنید و ذهمن توده ها را مشوش میکنید. لازم نیست که در یک بحث شوریک این مسئله را روشن کرد که مضمون واقعی طبقاتی شعرا و مطالبات بنی صدر و امثالهم چه میباشند یک نظر کوتاه به همین کارنا مه حکومتی وی و یک جستجوی ساده در لایه لای سطور "میثاق" و انطباق شعرا های فریبنده آن با این کارنا مه - کارنا مه ای که بنی - صدر در همین "میثاق" نامها بسدا ن</p>	<p>وجودیت خود را از دست خواهد داد و معلوم شد که شعاری صدر دال بر از میان بردن "ربا" و "بهره" جز شعاری کاذب و برای فریب توده ها نبوده است از همینرو این شعار دروغیست نیز پس از مدتی مزورانه سکوت گذاشته شد و با نکها کما کان، همچون گذشته - همچنان که از قبل نیز روشن بود - به حیات انگلی و ننگین خود برای شرکت در استثمای روغارت توده ها توسط امپریالیستها و سرمایه داران ادامه دادند.</p> <p>بنی صدر، با حمله به شورا های مترقی، که در کار تولید سرمایه داری "اخلال" ایجاد میکردند و بواسطه رهبری مبارزات کارگران، حیات سرمایه داری را در معرض خطر قرار میدادند، ماهیت دروغین آزادی - خواهی خود را برملا ساخت. وی تا آنجا پیش رفت که در مقابل خواست کارگران و دیگر زحمتکشان مبنی بر حفظ شوراها، فریاد برآورد که "شورا بورا ما لید". در دوران زما مداری وی، رژیم جمهوری اسلامی کماکان، به تعرض خویش به این نهاد های توده ای ادامه دادند و به سرکوب و متلاشی کردن آن پرداختند.</p> <p>در دوران زما مداری بنی صدر، و تحت رهبری خود او نیز، حمله به کردستان و سرکوب خلق کردادامه یافت، بنی صدر برای درهم شکستن مقاومت توده های کرد، که مسلحانه از دستاوردهای خود دفاع میکردند، به سربازان ارتش فرمان داد که تا "سیرن کردن ضد انقلابیون پوتین - ها را از ایرانیا ویرند" (نقل به معنی از گفنه بنی صدر در آن موقع) در دوره ریاست جمهوری وی، کردستان صحنه وسیع ترین و بزرگترین نبردهای میان انقلاب و ضد انقلاب حاکم و سیر فحیح ترین کشتارها و قتل عامها بود.</p> <p>بنی صدر همان بود که پس از ترور فحیح رهبران انقلابی خلق ترکمن، بیشتر مانده اظهار داشت که "اگر من رئیس دادگاه بودم آنها را محاکمه و به اعدام محکوم میکردم." (نقل به معنی از گفنه های وی در آن زمان)</p> <p>بنی صدر کسی بود که در دوره زما مداری وی، بسیاری از مطبوعات سروه های مترقی مورد حمله قرار گرفته و توقیف شدند، دهها نفر از هواداران سروه های انقلابی و کمونیست و محمله ما زمان ما، بدست جلادان رژیم اعدام شدند، آنهم به جرم وفاداری به آلمان زحمتکشان اما بنی صدر در قبال همه آنها با موضع تائید آمیز داشت و با مزورانه برای مطهر نگاه داشتن خود (پس از او حکمرانی تصادهای درون رژیم) و</p>
--	---	---

بقیه از صفحه ۱۵ رفیق ۰۰۰

با رها از طرف پاداران مزدور  
سرما به دستگیر شد. یکی از این  
دستگیریه در رابطه با تصرف  
خوابگاه های دانشجویی بود که رفیق  
هم همراه سایر رفقا پیش دستگیر شد و  
پس از ۴ روز آزادگشت. رفیق در  
بسیاری از محلات کارگرنشین  
تهران از جمله خاک سفید به فعالیت  
سیاسی و آگاه نمودن توده ها  
پرداخت رفیق مجتبی با بسیاری از  
کارگران کرد ارتباط داشت و  
همواره آرزو داشت که در کردستان  
در صفوف خلق مبارز کرده ادا م  
مبارزه خود بر علیه فقر و ستم سرما به  
داری بپردازد اما ارتجاع این  
فرصت را به او نداد دوی همواره در  
جمع آوری کمک از رفقا و دوستان  
برای کومه له و خلق رزمندگسرد  
کوشا بود. رفیق قدرت بسیاری نیز  
در انتقال آگاه های سیاسی و آموزش  
م - ل به کارگران و زحمتکشان  
داشت. رفقای کارگر که در ارتباط  
با رفیق مجتبی م - ل را شناختند،  
بخوبی از این قدرت وی آگاهانند  
در جریان مبارزه آید ثلوث بیک  
"وحدت انقلابی رفیق بطرف  
"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه  
کارگر" دستگیری نمود و با آن مشغول  
فعالیت شد. در ادامه مبارزاتش در  
۱۹ تیر ماه توسط مزدوران رژیم  
دستگیر و در سحرگاه ۳۱ تیر ماه ۶۰  
پس از ۱۲ روز دستگیری به همراه  
۱۵ رفیق هم رزمش به اتهام مدفعا  
از آلمان طبقه کارگر به خوفا عدم  
سپرده شد و قلب سرخ و پر خروش از  
تیش ایستاد با آتش گلوله دشمن،  
با آتش دژ خیمان و جلادان جمهوری  
اسلامی، قلب پراز کینه اش نسبت  
به پاداران ظلم و سرما به ویر از  
عشق نسبت به رهائی کارگران و  
زحمتکشان از حرکت ایستاد و  
هدفش که برقراری سوسیالیسم،  
راهش که آگاهی توده ها و سلاحتش که  
ما رکیسم - لنینیسم بود، همواره  
زنده است. و فردا که توده ها به  
ما هیت سرما به دارانه و خنایت -  
کارانه جمهوری اسلامی می بردند و  
فهمیدند که تنها راه نجات سوسیالیسم  
آزراه برقراری جمهوری انقلابی  
دموکراتیک کارگران و زحمتکشان  
است، نیروی آنها تبدیل به میلی  
خواهد شد که نه تنها جمهوری اسلامی  
بلکه هر رژیم سرما به داری را برای  
همیشه ارجا خواهد کند. به خون پاک  
و سرخ سوگند بادیم که سس  
رسیدن به هدفش با رهائی کارگران  
و زحمتکشان ارسم سرما به و برقراری

## درباره شعارها

### رفقا، اعضا و هواداران!

- مکتب خمینی، همان مکتب شاه  
و همان مکتب هیتلر است!
- رژیم جمهوری اسلامی؛ رژیم ترور  
و تیرباران، رژیم سرما به و ستم!
- سران جنا پتکار رژیم بجرم  
خیانت و کشتار در دغا ه خلق  
محا کمه با بدگردند!
- ننگ و نفرت بر رژیم جمهوری  
اسلامی، عامل کشتار رمد هس  
کمونیست و انقلابی!
- دادگاه های فاشیستی حکومت  
خمینی نا بود با بدگردند!
- رژیم جمهوری اسلامی، حامی  
سرما به دار، دشمن زحمتکشان!
- زندانی سیاسی بهمت توده ها  
آزاد با بدگرد!
- نان، مسکن، آزادی!
- مزدوران و جاسوسان رژیم را در  
هرکوی و بوزن شناسائی و رسوا  
کنید!
- انجمن اسلامی، این لانه جاسوسی  
نا بود با بدگردد، شورا های  
واقعی ایجاد با بدگرد!
- کارخانه، مدرسه، اداره و روستای  
خود را به کاتون مقاصت و  
مبارزه علیه رژیم تیدیکس  
نمائیم!
- کارگران در پرا بر توطئه اخراج  
دستجمعی از کارخانه ها به  
مقاومت برخیزیم!
- در اهتزاز با دهر جم مقاصت  
توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- زنده با دمبارزات کارگران  
قهرمان ایران علیه رژیم  
جمهوری اسلامی!
- کارگران جهان متحد شوید!
- حق تعیین سرنوشت، حق مسلم  
خلقهاست!
- مبارزه با امپریالیسم جدا از  
مبارزه با ارتجاع داخلی نیست!
- رویزونیسم را در هر پوششی  
افشا و طرد نمائیم!
- سرتگون با رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی!
- برقرار با جمهوری دمکراتیک  
خلق!
- زنده با دوسیا لیم!

رژیم منفر جمهوری اسلامی از  
آگاه های انقلابی میهراسد، زیرا  
میدانند در صورتیکه کارگران و  
زحمتکشان ایران آگاه گردند و به  
ما هیت ارتجاعی حکومت سرما به -  
داری حاکم پی ببرند، دیگر اجازه  
نخواهند داد تا جلادان ترورست و  
سرما به داران خونخوار بر آنسان  
حاکمیت داشته باشند. به همین خاطر  
رژیم جلاد جمهوری اسلامی مذبحخانه  
میگوشد تا با دیکتاتور سیاه و  
جنا پتکارانه خود کمونیستها و  
انقلابیون را نابود کرده و از تبلیغات  
انقلابی و آگاهان آنها جلوگیری  
بمعمل آورد. اما رژیم جلاد خمینی این  
هدف ارتجاعی را با بدبا خود به گور  
ببرد. کمونیستها و انقلابیون از پای  
نمی نشینند. آنان شجاعانه و با  
قدرت تمام در جهت آگاه ساختن توده  
ها فعالیت میکنند و انقلاب را  
تدارک می بینند.

رفقا! برای آنکه بتوانیم  
تبلیغات ضد انقلابی رژیم را در میان  
توده ها هر چه بیشتر افشا نمائیم و  
برای آنکه بتوانیم ما هیت ارتجاعی  
آنرا در پیشگاه کارگران و زحمتکشان  
ایران بیش از هر زمان دیگر رسوا  
بایزم، میبایست فعالیت تبلیغاتی  
خود را بطور بیسابقه ای گسترش دهیم  
چرا بین رابطه بخش مرتب و بیگیرانه  
نشریه "پیکار" و تکثیر مجدد آن و  
مقالات آن از اهمیت فوق العاده ای  
بر خوردار میباید. بعلاوه شعار نویسی  
بر روی دیوارها و هر آن کجا که امکان  
دارد در خدمت آگاهی توده ها ستامز  
بسیار مهمی بشمار می آید. رفقا!  
ضیبا بست با شعارهای انقلابی خود  
کارخانه و اداره، کویچه و بازار و  
خلاصه درود دیوار شهر را آذین بست و  
بدین ترتیب بردهان با وه گویسان  
رژیم و دستگا ههای تبلیغاتی آن  
مشت محکمی کوبید.

این شعارها عبارتند از:

- مرگ بر خمینی جلاد!
- مرگ بر خمینی! اما ما تا زیانه و  
دار!

دموکراتیک کارگران و  
زحمتکشان ایران  
زنده با دوسیا لیم  
جمعی از همزمان و همسریم  
۶۰/۶/۲۳

سوسیالیسم یک لحظه از پای ننشینیم  
ننگ و نفرت بر دژ خیمان  
جمهوری اسلامی  
برقرار با جمهوری انقلابی

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

# اعدام رفیق و یکتوریاد دولتشاهی به جرم هواداری از آرمان کارگران و زحمتکشان

## آدمکشان "بسیج" هم مشغولند!

رژیم سرما به داری وابسته ،  
رژیم با روستای بیفایت ارتجاعی  
ولایت فقیه جزبا کشتا روسرکوب  
گارش راه منی افتد . کشتا رنه تنها  
درگردستان و خوزستان و زندانهای  
تهران و شهرستانها بلکه کشتا ر در  
هر گوشه و کنا ر کشور ، درخبا با نها و  
کوچه ها و خانه ها نیز با بدادامه  
با بدو این درست همان چپسزی  
است که رژیم را بجای نجات دادن ،  
سر به مرتبه سقوط میکشاند . رژیم  
بدست هر حزب الهی تفنگی میدهد  
تا بنوبه خود ، با بدادارضا انقلاب  
با شد ، لومین های عضو بسیج و  
کمیته و با بداران همین حال را  
دارند . رفیقی خبری رافرستانده  
است که نمونه اش را هر روز میبینم  
اونوشته است :

درخبا با ن وحیدیه یکی از  
افراد عضو بسیج جلوی ماشین را  
میگیرند و از آینه کتارت اتومبیل  
و دیگر مدارک را میخواهند . جوان  
زاننده که میسند فریب نمیبار  
گهمن و مال آینه تبه او میگویند :  
" برو یکی بزرگتر از خودت را بیاور  
تا مدارک را بیاختان دهیم ."

عضو بسیج با شنیدن این حرف  
اطلاعه میکشود و یک گلوله به دیت  
بکی به شکم آن جوان میزند .

دوستی که کتار و نوشته بود و  
را به بیمارستان میبرند ، تنولی او  
تا رسیدن به بیمارستان میمیرد .  
خانواده این شخمی که در همین محل  
زندگی میکنند درخبا با ن وحیدیه  
برایش مجلسی با بدو برپا میکنند  
و جمعیت زیادی در این عزاداری  
شرکت میکنند و بملگرد رژیم و  
ما هیت آنرا بیش از پیش میشناسند  
بخیه در صفحه ۹

و تحقیق سوسیا لیسیم جانانه جنگیدند  
و بدست ارتجاع و مزدوران سرما به  
به شهادت رسیدند . دهنریت که  
توده های آگاه و منبازکا رگر و  
زحمتکش - در پیوند میا رزه خود با  
سوسیا لیسیم - با قیام خویش علیه  
رژیمستم جمهوری اسلامی انتقام  
تنامی قربانی های سرما به - از  
جمله دولتشاهی ها را خواهند  
گرفت ! اینک سرما ست که با سر-  
افراشتن برچهره آرمان رهائی  
کارگران - تحقیق این هدف را هر  
چه نزدیکتر ما زیم  
(نقل از "پیکار غرب" نشریه  
سازمان پیکار در کرمانشاه)

رسانا تر میشود . تا جایی که با لاشره  
حاجی معطری جلادفغان بر میآورد .  
که تو با این کارت مرادپوانسه  
کردی ! سپس رفیق دراعلماب غذا  
علیه شرا بط وحشتناک زندان شرکت  
میکند . این اعتصاب اگر چه نا موفق  
است ، ولی مدای اعتراض ده ها نفر  
از زندانیان زن را منعکس میسازد  
زندانی که رئیس بندکن یک زن  
قاتل است و رژیم برای اینه  
زندانیان و شکستن روحیه آنها ، از  
زنان بدبخت و نا آگاه هدکساره  
استفاده میکند . درشرا بطی که شیش  
و کشتافت پیدا دمیکند و زندانیان  
از کوچکترین حقی برای اعتراض  
محروم هستند .

زمانی که حکم اعدام و یکتوریا  
در پیدا دگا ه قطعی و اعلام میشود .  
برای او فرصت دیگری است تا روحیه  
انقلابی و کمونیستی خود را نشانی  
دهد . او خوشحال و خندان حکم را می-  
شنود . بهترین لباس خود را میپوشد  
خود را مرتب و تمیز میکند . آری برای  
کمونیست ها ، مرگ در راه آرمان  
خود ، روز جشن و سرور است !

وقتی او را با دو تن مجاهد خلق  
برای اعدام میبرند ، لحظاتی  
فرا موش نشدنی است ! " سیرود  
ای رفیقان ... و با دیاران ..."  
او چنین اندام میشود این سرود هندا  
و شعار های " مرگ بر ارتجاع"  
" زنده باد سوسیا لیسیم " و لریزه سیر  
اندام جلادان می افتند . اما آتش  
مقاومت و اعتراض را در دل زندانیان  
شعله ور میسازد . و یکتوریا سرود  
خوانان در برابر جوخه اعدام می -  
ایستد . او میخواهد با دشمنان با زدن  
برابر گلوله های آمریکا نشسی  
مزدوران سرما به قرا رگیرد . و آنگاه  
فرمان آتش - فرمانی که غیبود  
ویکتوریا ما در میکند - تا در آخرین  
لحظه نیز مشت محکمی برده گمان  
ارتجاع کو سیده با شد !

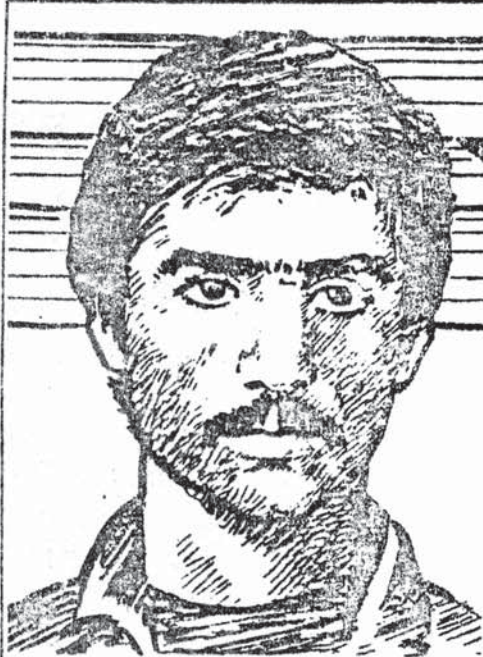
بدون شک ، خاطر ه دلایر بیهای  
رفیق و یکتوریا دولتشاهی ، همچون  
ستاره درخشانی در آسمان پرستاره  
جنبش کمونیستی ایران خواهد  
درخشید ! او از تبار کمونیستهای  
راستین همچون حیدر عمواوغلی ها ،  
ارانی ها ، روزبه ها ، فاضل ها ،  
رحمانی ها ، و ... جدا کمونیست  
دیگراست که به مثابه بنا بنده واقعی  
کارگران و زحمتکشان در طی بیش  
از ۷۰ سال مبارزه علیه امپریالیسم

سحرگاه ۶۰/۵/۱۵ رژیم جمهوری  
اسلامی رفیقی دیگر را در زندان شه  
ساخته دیزل آبا دگرمانشا به جوخه  
اعدام سپرد . نام : و یکتوریا دولتشاهی  
متولد ۱۳۳۹ سال چهارم نظسری  
دبهرستان پروین اعتصامی - جرم :  
هواداری از آرمان کارگران و  
زحمتکشان !

آری در رژیم سرما به داری و ضد  
خلق جمهوری اسلامی ، اعتقادیه  
آرمان رهائی کارگران و زحمتکشان  
و مبارزه در راه آن ، البته که جرم  
محسوب میشود و مجازات آن زندان  
شکنجه و اعدام های گروهی انقلابیون  
است .

رفیق و یکتوریا ، نمونه کسانی  
است که مقا و متش و عمر کوتا ه  
مبارزاتیش ، در سهای گرانمایسی  
بما میا موزد ، او در تاریخ ۶۰/۴/۱  
توسط مزدوران سرما به دستگیر  
میشود . آنها حتی یک برگه از آنچه  
که با صلاح خود مدرك جرم میسند ،  
از او پیدا نمی کنند . ولی واقعبیت  
اینست که مدرك از نظریه رژیم در مورد  
ویکتوریا چیزی نیست جز اینک  
در مبارزات دبهرستان خواستار  
اشد مبارزات برای وی شده است و از  
همه مهمتر ، خشی است که جلادان  
رژیم ، از مقا و مت و دفاع او در طی  
بازجویی و زندان از او پسندل  
دارند آری ! کمترین زندانی عادی با  
سپاسی در زندان دیزل آبا  
کرمانشاه است که مقا و مت دلیرانه  
او را علیه جلادان رژیم شنیده و

ندیده با شد و از استقامت او نیرو  
نگرفته با شد . پس از دستگیری او را  
با تنگی چند از زندانیان ، در سلولی  
کوچک که فقط سوراخی برای نفس  
کشیدن و نمردن دارد ، به بندمی -  
کشد . در برابر خورده های اولیه با  
زندانیان ، یکی از عوامل رژیم  
بنا حاجی معطری (جلاد اعزامی از  
تهران) برای کشتن روحیه انقلابی  
زندانیان وارد سلول میشود و  
کمونیست ها را با بدتهمت و توهین  
میگیرد . رفیق و یکتوریا آرام نمی-  
نشیند و بروی اوتف می اندازد .  
جلاد که چنین انتظاری نداشته ،  
خشمگین و ناراحت ، او را به سلول  
انفرادی برده و زیر شکنجه قرار  
میدهد . اما ویکتوریا همچنان با  
روحیه ای عالی ، به خواندن سرود -  
های انقلابی میپردازد و با هر ضربه  
- ای که جلاد فرود میآورد سرود او



رفیق شهید مجتبی زرگری:

پاسداری که باید پرش

مارکسیسم - لنینیسم

به سازمان پیکار پیوست

کارگران! زحمتکشان! متنی که در زیر میخوانید به وسیله همزمان و همسرگاران رفیق

مجتبی تهیه شده و در منطقه خاک سفید پخش گردیده است:

کارگران و زحمتکشان خاک سفید!

بپا خیزید و به اعدام وحشیانه رهبران  
کمونست و انقلابی خود اعتراض کنید!

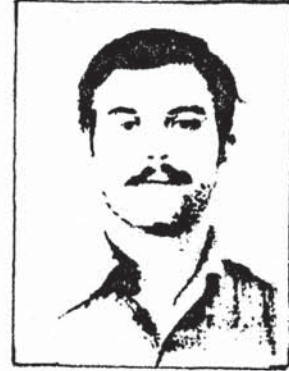
سه دردها و بدبختیهای زندگی خود  
و اطرافیان خود بود، بی برد، بی تک  
لحظه از مبارزه بی امان خود بر علیه  
آن دست برداشت. رفیق در سال  
۵۶ در مدرسه عالی بازرگانی قبول  
شد و همراه با آغا زنجش انقلابی  
مردم، ایران در سال ۵۷ فعالانه در  
تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات  
توده‌ای شرکت نمود. در سال ۵۷ به  
علت داشتن عقاید مذهبی و شور و  
شوق انقلابی به پاسداری پرداخت  
اما کینه طبقاتی وی به نظام سرمایه  
- داری باعث شد که خیلی رودر  
ما هیت سرکوبگرانه بسیار با سداران  
این مزدوران سرمایه‌پی بیبرد.  
شبها پرروی دیوارها به نوشتن  
شعارهای انقلابی و پخش اعلامیه‌های  
کمونستی پرداخت و بالاخره از آنجا  
بیرون آمد. در دانشکده در سال ۵۸  
در رابطه با رفقای همزمش با  
ما رگمیسیم - لنینیسم آشنا شد و آنرا  
به عنوان علم‌رسانی طبقه کارگر  
بپذیرفته و چراغ راه مبارزات خود  
قرار داد. رفیق در این سال با  
دانشجویان مبارز دانشکده همکاری  
میکرد و در اردیبهشت ۵۹ با تشکیل  
وحدت انقلابی برای آزادی طبقه  
کارگر شروع به فعالیت نموده و از  
آنجا که پی گیری در راه رسیدن به  
هدف‌داری خصلتهای توده‌ای و  
صمیمی و عشق عمیق به کارگران و  
زحمتکشان بود، خیلی سریع از افراد  
فعال تشکیلات شد. رفیق مجتبی  
نقشه در صفحه ۱۲

این دلیل رهبران شما - کمانس  
را که به شما این آگامی را می دهد  
تیرباران میکند، یکی از مبارزانی  
را که بسیاری از شما با چهره صمیمی -  
اش آشنا هستید و شادید و شادید از  
فعالیت‌هایش بودید - رفیق  
مجتبی زرگری است. این رفیق  
کمونست زندگی را در راه آگامی  
ورهای کارگران و زحمتکشان از  
ستم ظلم و جور و سرما به گذاشت و به  
همین دلیل پاسداران سرمایه  
پیکردست و چشم بسته اش را به رگبار  
بستند و افتخار بر او و همزمانش!  
رفیق در سال ۱۳۲۷ در یکی از  
شهرهای آذربایجان در یک  
خانواده زحمتکش دنیا آمد. دوران  
تحصیل ابتدائی خود را در همانجا  
گذراند و به همراه خانواده خود برای  
ادامه تحصیل به تهران آمد. رفیق  
از همان کودکی با پوست و گوشت  
خود با زندگی پر از رنج کارگران و  
زحمتکشان آشنا و در میان آنان  
بزرگ شد. همس زندگی و آشنائی با  
دردها ورنجهای طبقه کارگر رفیق  
را از خصلتهای توده‌ای دربرخورد  
به آنان برخوردار نمود، زیرا که او  
در میان آنان زیسته و با آنان  
بزرگ شده بود. به همین دلیل او  
همواره بدنبال علت و ریشه این  
بدبختیها بود تا با آن به مبارزه بر  
- خیزد و زمانی که به این ریشه‌ها  
یعنی نظام سرمایه‌داری که عامل

روزی نیست که رژیم جمهوری  
اسلامی خبر تیرباران فرزندان  
کمونست و انقلابی شما را در میدان  
- های تیروزندانها بش ندهد. هیچ  
از خود پرسیده‌اید چرا؟ چرا قلب  
سرخ کمونیستها و دیگر انقلابیون  
است که به وسیله گلوله‌های رژیم  
سوراخ میشود؟ چون کمونیستها  
اعمال جنایتکارانه کثرت و  
بمباران مزدوران جمهوری اسلامی  
را در کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه -  
- ها افشا میکنند، چون کمونیست -  
ها ما هیت سرمایه‌داری رژیم را  
برای شما افشا نموده‌اند. سوده‌ای  
۱/۲۰۰ میلیونی سرمایه‌دارانش  
را افشا کرده، به خون کشیدن کارگران  
بیکار اصفهان، درود، کشتار کارگران  
شهرک صنعتی البرز و... را افشا  
نموده. چون کمونیستها به شما  
کارگران و زحمتکشان میگویند شما  
با بد متحد و مشکل شوید و نظایم  
سرمایه‌داری را از بین ببرید. فقر  
فلاکت، بی خانمانی، بی مکنی،  
بیکاری فقط وقتی از بین میرود  
که نظام سرمایه‌داری از بین برود.  
چون کمونیستها به شما میگویند که  
بیروزی شما فقط و فقط در سر -  
انداختن نظام سرمایه‌داری و قدیم  
نهادن سوی سوسیالیسم امکان -  
پذیر است.  
رژیم جمهوری اسلامی از نیروی  
آگامی و اتحاد شما می‌هراسد و به

نگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها  
کمونست و انقلابی!

### رفیق مجید رضا خسروی، ستاره سرخی دیگر



حما مونی کدر زم سرامه داری  
 و اسدا ایران سراه ا سداخته مچنان  
 دایر اسد و حمسی اس صحاک زنت  
 زمان ما ، هر با مدادان ازل و مغز  
 جوانان انقلابی و کمونیست خوراک  
 می طلبید! این زالوی خو خوار  
 ارتجاع را سری در کار نیست و تنها  
 خاک تور میتواند اینها غر خم خورده  
 خاکم را ارجو نخواهی با ز دارد ، حدود  
 هزار شهید انقلابی و کمونیست طی  
 دو ماه! این رکورد جسات و ننگ  
 تاریخی را کم روزیم مدخلقی  
 شکسته است . حمیسی با هج حیل و  
 ترمیدی دسان خون آلودش را  
 نمی تواند سنبود ما و اوردن تار و پود  
 ایران بمسوان یکی از زما مداران  
 جو خوار و سگس بد نیت رسیده است  
 اوبه تا بودی سل انقلاب کمربسته  
 است ولی از هر قطره خون شهیدان  
 کمونیست و انقلابی پر جمی سرخ قد  
 سرمی اصرار دودر خاده بر مخاطره  
 سرخ سر روزی ز رهروان سبهار راه  
 زهانی کارگران و زحمتکشان را  
 بسوی هند تا بناک سوسا لیسیم  
 هدایت میکند . هر قطره خون شهیدان  
 ما میخی دنگر بر تا سوب ارجحاع  
 و امپریالیسم میگوید و طین آن مرک  
 دشمنان خلق را صلا میدهد .  
 در اس شماره رفیقی دیگر ،  
 کمونیستی بر تلاش و بیکار رگر را که  
 جان در راه آزادی طبقه کارگر نهاد  
 معرفی میکنیم . کارگران و زحمتکشان  
 اس یاران با وفای خود را همواره  
 در قلب خویش رسیده نگاه خواهند  
 داشت .  
 رفیق ما محمد خسروی (بادر) که

### کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی ، ناقوس مرگ رژیم را می نوازند



۳۱ بهار از عمر خویش را است سرکدارده  
 بود در سال ۳۹ مولد شد . او از استعداد  
 و هوش فراوانی برخوردار بود و در  
 ۱۵ سالگی موفق شد با رتبه اول  
 دوره دبیرستان را بپایان رساند .  
 او برای ادامه تحصیل به آمریکا  
 رفت و از همان ابتدا در رایطه  
 مبارزات دانشجویان ایرانی  
 خارج از کشور قرار گرفته است  
 فعالیتی مستمر بر ضد رژیم و استبداد  
 به امپریالیسم شاه خاش در صورت  
 کنفدراسیون جهانی دانشجویان  
 پرداخت . اما او که از همان اسدا

اسمان به مناره طقانی و ایشار  
 در را در حمتکشان را با تمام وجودش  
 آگاهانه پذیرفته بود و طبعه اساسی  
 و مبرم هر کمونیست را فعلی است  
 انقلابی در بین کارگران و زحمت  
 کشان ایران دانسته پس از مدتی  
 کمربار دوسال و همزمان با اوخ -  
 کبری جنبش توفنده خلقهای دلیرمان  
 به ایران بازگشت و او اردا شکده  
 قنی شد در ابتدا ، رفیق با وجودیکه  
 از تجربه مبارزاتی کمی در رابطه  
 با طبقه کارگر برخوردار بود ولی با  
 انرژی و پشتکار فراوان و با شور  
 عده در صفحه ۸

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق